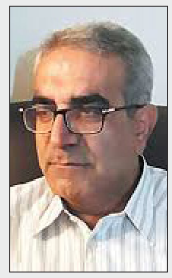
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۳۱   یک شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱   ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

دکتر سعید معدنی

حلالیت طلبیدن یا عذرخواهی



صفحه ۸

معترضان و اصلاح‌طلبی

محمدرضا کلاهی

این حرکت یک وجه محتوایی دارد که مخالفت با انحصارگرایی است که همان محتوای گفتمان اصلاح‌طلبی است. این مفهوم را اصلاح‌طلبی وارد ادبیات ما کرد.

صفحه ۵

در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران مطرح شد:

اعتراضات و ضرورت فهم فرهنگی از گسست‌های موجود

قصه‌ی "ته لنجی" به سر نرسید

نصف کردن سفره معیشت مردم با رویکرد دولت انقلابی

افزایش ۲۰ درصدی حقوق شاغلان و بازنشستگان در مقابل تورم بالای ۵۰ درصدی اقتصاد کشور به معنای نصف کردن سفره معیشت مردم است. در حالی که سقف بودجه در سال آینده افزایش ۴۰ درصدی داشته است و بنابراین باید انتظار تورم ۴۰ درصدی را در سال آینده داشت، با این وجود، پیش بینی دولت برای افزایش حقوق شاغلان و بازنشستگان ۲۰ درصد است که نشان می دهد دولت انقلابی همچنان برای بهبود معیشت مردم برنامه ای ندارد. این در حالی است که شاهد افزایش فوق العاده بودجه صدا و سیما و نهادهای وابسته به دولت در این شرایط وخیم اقتصادی و تحریمی هستیم. علاوه بر این درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه نیز افزایش قابل توجهی داشته است و بنابراین مردم از این بابت نیز زیر فشار هزینه ای بیشتری قرار خواهند گرفت. رشد سریع قیمت دلار نیز در چند روز اخیر باعث شده است تا کارشناسان اقتصادی تورم بالاتری را برای سال آینده پیش بینی کنند و از آن جا که نرخ تورم مواد خوراکی که نقش اساسی در سبد حداقل معیشت دارد، توسط دستگاه‌های آماری حدود ۷۰ درصد ارزیابی شده است، انتظار می رود که افزایش ناچیز دستمزد و حقوق شاغلان و بازنشستگان، گره ای از مشکلات آنان باز نکند.

تداوم وضعیت بحرانی اقتصاد کشور در زیر سایه بلاتکیفی برجام و رشد ساعتی دلار، باعث نگرانی بیشتر مردم شده است و در حالی که سه وعده اصلی دولت انقلابی، یعنی تورم تک‌رقمی، ایجاد یک میلیون شغل در سال و ساخت یک میلیون خانه برای مردم در هر سال، در عمل محقق نشده است، متاسفانه تصوری هم از کنترل و بهبود این وضع عمومی کشور دیده نمی‌شود و در این میان، بودجه دولت از همه اینها تأسف‌بارتر است.

مصاحبه نسیم جنوب با مصطفی غضنفری شاعر و هنرمند بوشهری؛

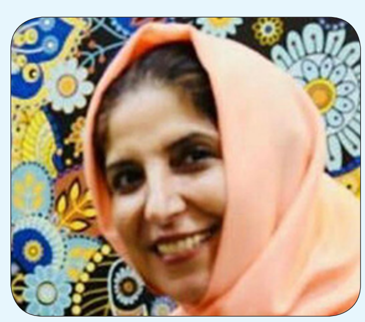
موصو، بوشهر، فلافل و خاورمیانه



تجربه یک بوشهری در آلمان

یک روز کاری متفاوت

مژده مواجی



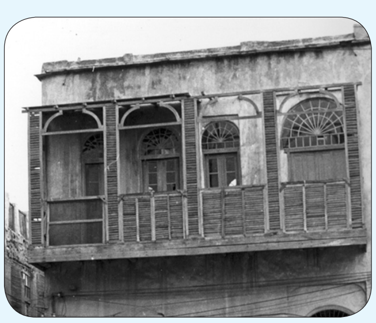
ایام کارمندی سازمان برنامه و بودجه بوشهر

مکیه گرمسیری



بوشهر از احتسابیه تا بلدیه

دکتر حمیداسدپور – مجتبی محمدی



نگاهی به فیلم جاده خاکی از پناه پناهی

حکایت تلخ رفتن

دکتر محمد جعفر ایزدپناه



چه کسانی باید دوز یادآور بزنند

رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت، در ارتباط با این که چه کسانی باید دوز یادآور واکسن کرونا را تزریق کنند، توضیحاتی داد. محسن زهرایی گفت: «افراد بالای ۱۸سال که جزو گروه‌های پرخطر و دارای بیماری‌های زمینه‌ای هستند، باید نسبت به تزریق دوز یادآور واکسن کرونا اقدام کنند.» او افزود: «این گروه از افراد جامعه بدون توجه به این که تاکنون چند دوز واکسن تزریق کرده‌اند، بعد از گذشت ۶ماه از آخرین زمان تزریق، باید دوز یادآور دریافت کنند.» بر اساس اعلام رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت، افرادی که از یک نوع واکسن در دو نوبت واکسیناسیون استفاده کرده‌اند، می‌توانند نوبت سوم را از یک نوع دیگر تزریق کنند، اما اگر نوبت سوم هم از همان نوع واکسن دو نوبت قبلی بود، اشکالی ندارد.

نیمی از خودروها فرسوده‌اند

از مجموع ۲۸ میلیون خودروی در حال تردد در کشور، ۱۴ میلیون دستگاه یعنی نیمی از خودروها، فرسوده هستند. محمودی مشهدی‌شریف، رئیس انجمن اسقاط خودرو با بیان این که تاکنون ۱۰ هزار خودرو در طرح جایگزینی و ۳۰ هزار خودرو درطرح‌های دیگر اسقاط شده‌اند، گفت: «با این روند برای اسقاط تمام فرسوده‌ها به ۴۰۰ سال زمان نیاز داریم.» او در مورد آخرین وضعیت اسقاط خودرو در کشور، اظهار کرد: «برای اسقاط خودرو در کشور دو روش داریم، یکی طرح جایگزینی که با قرعه‌کشی خودرو و دیگری طرح‌های غیرجایگزینی که توسط دولت انجام می‌شود.» رئیس انجمن مراکز اسقاط و بازیافت خودرو افزود: «در طرح جایگزینی که از شهریورماه سال ۱۴۰۱ آغاز شد و خودروسازان ۲۰ درصد سهمیه قرعه‌کشی را به صاحبان خودروهای فرسوده اختصاص دادند، تا به امروز حدود ۱۰ هزار دستگاه خودروی فرسوده از رده خارج شد.»

افزایش مزد، حداقل معیشت

فتح‌الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کشور گفته است، حتی اگر دولت و کارفرمایان دوباره به افزایش مزد ۵۷درصدی سال گذشته برای سال ۱۴۰۲ رضایت دهند، تازه به رقم ۹میلیون تومان می‌رسند که رقم سبد حداقل معیشت پذیرفته‌شده دولت در سال گذشته بود. به گزارش ایلنا، او در پاسخ به حواشی مطرح‌شده از سوی برخی اعضای کمیسیون اجتماعی گفت: «کارگران و نمایندگان کارگری شورای‌عالی کار همواره بر دو فاکتور در ماده ۴۱ قانون‌کار برای افزایش سالانه دستمزد پافشاری داشتند. این دو فاکتور عبارت است، از نرخ تورم سالانه و سبد حداقل معیشت لازم برای بقای خانوار ۳نفری (۳/۳نفری) کارگری که هردو باید به یک میزان مورد توجه قرار گیرد.»

برگزیده شدن سه بوشهری در جشنواره بین‌المللی قصه گویی

مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر گفت: سوسن حیاتی در بخش بین‌الملل، قمر غلامیان در بخش برگزیدگان و نیما پارسا در بخش ۹۰ ثانیه‌ای، سه قصه‌گوی برگزیده در بخش پایانی بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی معرفی شدند.

در این جشنواره شرکت‌کنندگان در بخش‌های ملی، بین‌الملل، زبان اشاره، پادکست، قصه‌های ۹۰ ثانیه‌ای، آیینی و سنتی و در بخش علمی مقاله، کتاب، پایان‌نامه، رساله و جستار با هم به رقابت پرداختند.

قصه‌ی "ته لنجی" به سر نرسید

ایسنا/بوشهر جنگ که به پایان رسید، برای تشویق ملوانان و مالکان شناورهای سنتی، معافیت گمرکی محدودی به نام "ته لنجی" معمول شد. به این شکل که ملوانان و خدمه لنج‌ها به ازای هر سفر دریایی مجاز به واردات مقدار محدودی کالا در حد و اندازه تهِ لنج بدون پرداخت عوارض گمرکی بودند. زمان که گذشت به دلیل به توجهی به توسعه صنایع در بنادر "ته لنجی" نقش پررنگ‌تری را به خود گرفت. به‌طوری که تقریبا همه ناوگان سنتی کشور در این زمینه مشغول فعالیت هستند .

حجم بالای میزان واردات از دید برخی کارشناسان اقتصادی تهدید برای تولید و فروش اجناس داخلی محسوب می‌شود و از دید برخی دیگر یک فرصت، که می‌توان در شرایط بحرانی از آن بهره جست.

به گزارش ایسنا، "ته لنجی" یا عنوان رسمی‌تر آن "کالای همراه ملوان" در طول این سالها در تلاطم سیاست‌ها مختلف، کج دار و مریز جان سالم بدر برده و هر بار دستورالعمل‌های جدید به خود دیده است؛ یک بار تعداد سفرها را کاهش می‌دهند، یک بار اقلام وارداتی را کم می‌کنند و یکبار هم حجم کالای ورودی را کاهش می‌دهند. با این وجود اما ساحل‌نشینان گردِ "ته لنجی" مشاغل مختلفی را ایجاد کرده‌اند، از ملوانان و جاشوهایی که کالاها را وارد می‌کنند تا فعالین بازارهای بزرگ و شوتی‌سورانی که کالاها را به استانهای مختلف می‌برند. از این رو "کالای همراه ملوان" تبدیل به نبض تپنده بسیاری از بنادر جنوبی کشور، به ویژه شهرستان گناوه شده است.

۲۵ درصد بوشهری‌ها از راه ته لنجی امرار معاش می‌کنند

مطابق با آخرین آمارها بیش از ۲۰۰۰ شناور سفاری یا باری در استان بوشهر فعالیت دارند که هرکدام از این لنج‌ها بین ۶ تا ۸ ملوان دارند یعنی در مجموعه بیش از ۱۲ هزار نفر به طور مستقیم در شناورها مشغول به کار هستند. همچنین ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر نیز در بازار شهرهای ساحلی از طریق خرید و فروش کالای ته لنجی فعالیت می‌کنند که با این احتساب خانواده‌های ملوانان و بازاریان حدود ۱۶۰ هزار نفر از جمعیت استان از طریق واردات کالای "ته لنجی" نان می‌خورند. این آمار تعداد همه فعالین این حوزه نیست چرا که بسیاری شغل‌های فرعی حول "کالای همراه ملوان" شکل گرفته است. به‌طور کلی اما ایجاد قانون و سازوکاری مشخص برای فعالیت اقتصادی، خواسته‌ی امروز مرزنشینان



است تا تضمینی بر امنیت شغلی آنها باشد.

علی باستین، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار بوشهر ۳۰ دی در نشست شورای هماهنگی دستگاه‌های اقتصادی استان بوشهر با حضور معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان این که ۲۵ درصد مردم استان بوشهر از راه ته لنجی امرار معاش می کنند گفت: تصویب اصلاح آیین‌نامه کالاهای ته لنجی و ملوانی یک ضرورت است و نقش مهمی در رونق اقتصادی استان بوشهر دارد.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در سفر ۱۶ مهر ۱۴۰۰ به همراه هیات دولت به استان بوشهر، به مسئولان این استان مهلتی ۱۰ روزه داد که طرح ساماندهی ته‌لنجی یا کالای همراه ملوان را به وزارت کشور اعلام کنند و همچنین به وزارت کشور هم ۱۰ روز فرصت داد تا طرح استان بوشهر را بررسی و نتیجه نهایی را اعلام کند.

اگرچه از تاریخ تعیین شده زمان زیادی می‌گذرد اما با صدور مجوز سفر دوم از سوی استاندار بوشهر، ملوانان و فعالان حوزه ته‌لنجی همچنان به حمایت‌های بیشتر دلگرم و امیدوار هستند. منتظرند طرح ساماندهی "ته‌لنجی" که تنها منبع معاش بسیاری از ساحل نشینان است به سر منزل مقصود برسد.

محورهای ارتباطی استان بوشهر پرتردد ترین جاده کشور شناخته شد

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان بوشهر گفت: محورهای ارتباطی این استان در ۹ماه امسال با ۱۸ میلیون و ۶۶۷ تردد صدر نشین در کشور در این بخش شناخته شد.

به گزارش ایرنا، عبدالکریم اخترشناس در بازدید از محورهای ارتباطی استان بوشهر در جمع خبرنگاران با بیان اینکه این آمار بیانگر افزایش ۴۲درصدی تردد است افزود: در این مدت ۹ میلیون و ۸۹۱ وسیله نقلیه وارد و بیش از هشت میلیون و ۷۷۶ وسیله نقلیه هم از استان خارج شده است. پرتردد ترین محور ارتباطی استان بوشهر در این مدت محور بوشهر– برازجان و بالعکس بوده است. اخترشناس ادامه داد: همچنین براساس آمار سامانه‌های نظارت الکترونیکی، بیشترین سرعت غیرمجاز نیز در این محور ثبت شده است.

به گفته وی ساعت اوج تردد در این مدت ۱۸ تا ۱۹ ثبت شده است.

شناسایی و دستگیری ۱۵۷ محکوم تحت تعقیب در بوشهر

ایسنا/بوشهر رئیس پلیس آگاهی استان بوشهر از شناسایی و دستگیری تعداد ۱۵۷ نفر محکوم تحت تعقیب در جرایم خشن، جنایی، جعل، کلاهبرداری و جرایم سرقت در ده ماهه سال جاری خبر داد.

سرهنگ کارآگاه جوشن سهرابی اظهار کرد: در راستای کاهش بسترهای وقوع جرایم و نا امن کردن محیط برای فعالیت افراد بزهکار در برنامه ریزی و تلاش صورت گرفته در ۱۰ ماهه سال جاری مخفیگاه تعداد ۱۵۷ نفر محکوم تحت تعقیب در جرایم کیفری شناسایی، که در عملیات‌های هدفمند دستگیر و در اختیار مراجع قضایی قرار گرفتند.

رئیس پلیس آگاهی استان بوشهر افزود: این اقدام در راستای رسیدگی به درخواست شهروندان عزیز استان بوده و پلیس آگاهی و دوایر تجسس سطح استان با آمادگی کامل، اجرای احکام قضایی و دستگیری این افراد در جرایم مطرح شده را با جدیت پیگیری خواهند کرد.

بحران صندوق‌های بازنشستگی

نصرالله دریابیگی، نایب‌رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی گفته است: «به‌طور کلی از نظر ما فعالان، دلسوزان و ذی‌نفعان صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه صندوق سازمان تامین اجتماعی، اصلی‌ترین مشکل این روزهای صندوق‌ها که باعث ناپایداری آن ها شده، همان تصمیمات دولت‌ها و مجلس‌های گذشته تا امروز بوده است.» به گزارش ایلنا، او ادامه داد: «منشاء اصلی بحران صندوق تامین اجتماعی و بازنشستگی در کشور خود دولت و مجلس است، لذا تنها تصمیمات همین دو نهاد است که مسیر ناپایداری صندوق‌های تامین اجتماعی را باتوجه به بیانات رهبر معظم انقلاب اصلاح کند؛ زیرا آن چه از بحران بر صندوق تامین اجتماعی تاکنون تحمیل شده، اکثرا حاصل طرح‌ها و لوایح مجلس‌ها و دولت‌ها بوده که با نگاه غیرکارشناسی و گاه پوپولیستی موجب ایجاد تعهد و بدهی دولت در برابر منابع صندوق شده است.»

فرار به جلو

غلامرضا نوری قزلجه، از اعضای کمیسیون ویژه طرح صیانت مجلس یازدهم، گفت: «توقع نداریم که مانند سایر کشورهای جهان، اینترنت به‌روز، ارزان و ارتقایافته‌ای را دریافت کنیم؛ تنها درخواست ما این است که با همان قیمت و کیفیت گذشته، دسترسی مردم به اینترنت را فراهم کنند.» عضو کمیسیون مشترک طرح صیانت مجلس در ادامه به سیتنا گفت: «گله‌مندی و انتقاد رئیس‌جمهور از وزیر ارتباطات در خصوص مشکلات و کندی اینترنت، نوعی فرار به جلو محسوب می‌شود، زیرا این اتفاقات و محدودیت‌های چندماه اخیر به استناد مصوبات شورایی رخ داد که رئیس‌جمهور در راس آن قرار دارد و در چنین شرایطی که خود ایشان منتقد هستند، ما باید وضعیت اینترنت را از کجا پیگیری کنیم؟».

کارگران قیم نمی‌خواهند

در روزهای اخیر برخی نمایندگان مجلس اعداد و ارقامی را برای افزایش دستمزد سال ۱۴۰۲ پیشنهاد دادند و این درحالی‌ست که جلسات رسمی شورایعالی کار برای تعیین دستمزد برگزار نشده است. علی خدایی، عضو کارگری شورایعالی کار با بیان اینکه کارگران قیم نمی‌خواهند در رابطه با لزوم محاسبه‌ی سبد معیشت در شورایعالی کار و تعیین دستمزد گفت: «نمایندگان مجلس اگر می‌خواهند کاری کنند و به معیشت کارگران یاری رسانند، دولت را ملزم کنند به بندهای یک و دو ماده ۴۱ قانون کار پایبند باشد و زمینه اجرایی شدن آنها را فراهم کنند. افراد غیرمرتبط و غیرمسئول لطف کنند و عدد و رقم برای دستمزد ندهند. برای گروه کارگری هم مانند هر سال، اولویت با سبد معیشت است؛ بایستی اول سبد معیشت محاسبه و نرخ‌گذاری شود و پس از آن وارد مذاکرات جدی دستمزد شویم. بنابراین ما نمایندگان کارگری طبق روال هر سال، اسیر اعداد و ارقام الابختکی و نامرتبطِ نمایندگان مجلس و دولتَ و دیگران نخواهیم شد.»

۱۸۰ میلیارد تومان تسهیلات اشتغال به مددجویان بهزیستی بوشهر پرداخت شد

مدیر کل بهزیستی استان بوشهر گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۱۸۰ میلیارد تومان تسهیلات قرض الحسنه اشتغال به مددجویان زیر پوشش این سازمان در این استان پرداخت شد.

حسین اسدی راد افزود: با پرداخت این تسهیلات موجبات تسهیلگری و ایجاد اشتغال برای یکهزار و ۱۱۰ نفر از جامعه هدف زیر پوشش این نهاد ایجاد شده است.

مصاحبه نسیم جنوب با مصطفی غضنفری شاعر و هنرمند بوشهری؛

موصو ، بوشهر، فلافل و خاورمیانه



عکس از حسین حیدرپور

-آقای غضنفری، مصوی معروف و عزیز ! می دانم شما هم علاقمند به سینما هستید و فیلم ساخته اید و برای فیلم تان تقدیر شده اید و هم شاعرید و برای شعرهایتان جایزه گرفته اید و هم در اینستاگرام خیلی فعال هستید و پیج اینستاگرامی تان طرفداران خودش را دارد. شما خودتان را بیشتر سینماگر یا شاعر یا اینفالوئنسر می دانید؟

– به نظر من شعر غایت چیزهاست، وقتی که برزیل خیلی خوب فوتبال بازی می کند می گویند این دیگر فوتبال نبود و شعر بود یا اگر قلیه ماهی خیلی خوب در بیاید از غذا بودن فراتر می رود و تنه می زند به شعر بودن... با این اوصاف طبعا دلم می خواهد شاعر باشم، بهترین فیلمسازان هم در نهایت شاعر بوده اند.

– شعر گفتن را از چه سالی به شکل جدی شروع کردید؟

– حدودا نوزده سالگی، قبلش هم شعرهایی گفته بودم و منوچهر آتشی که آن زمان مسئول صفحه شعر نشریه نسیم جنوب بود آن ها را چاپ نکرد اما در قسمت نامه ها یک چیزی در این مایه ها گفته بود که دمت گرم و ادامه بده... یکی دو سال بعدتر هفته نامه پیغام شعری منتشر کرد از من که هر که آن را خوانده بود گفته بود این شعر را احتمالاً برادر بزرگ ترش نوشته و به اسم او چاپ کرده و گرنه به سن او نمی خورد. با این حال هیچ کدام این ها باعث نشد که فکر کنم شاعرم تا اینکه نوزده ساله شدم و یک نفر از غیب فراخواندم به تیم ملی شعر.

– همیشه فلافل در شعرهای شما حضوری دیرپا دارد. دلیل این حضور دیرپا چیست؟

– فلافل تا همین اواخر جزو نمادهای زندگی ارزان محسوب می شد. از آن جایی که تصمیم گرفتم به چیزی جز شعر و سینما نپردازم واضح بود که پولی در نمی آید از پیگیری این علاقه مندی ها و باید سبکی از زندگی را انتخاب می کردم که متناسب با پول تو جیبی ام باشد. این شد که هفده سال هر شب فلافل خوردم تا بتوانم بر عهدم با شعر بمانم. کم کم خود این سبک زندگی ایده هایی داد به من و این شد که فلافل راه پیدا کرد به شعرهایم.

– تازگی ها و در شعرهای جدیدتر بیشتر از خاورمیانه و مرز می گویید. چرا؟

– خود فلافل مطرح ترین غذای خاورمیانه است و احتمالاً تنها المانی از خاورمیانه که در هر کوی و برزن نشانه ای از آن می بینید. هر جایی که در خاورمیانه و جهان یک حادثه شعری رخ بدهد احتمالاً چند قدم آن طرفتر یک دکه فلافلی وجود دارد. فلافلی ها ناظران دائمی حوادث شعری خاورمیانه اند. هنوز که هنوز است هر دوستی در هر کجای جهان یک فلافلی می بیند عکسش را برایم می فرستد و زیرش می نویسد با دیدن این فلافلی به یاد تو افتادم. فلافلی ها باعث شدند که یاد من از مرزها عبور کند، آن هم در جهانی که شرق و غربش را مرزبندی کرده اند. البته این حرف ها جواب سوال شما نیست. راستش من در کتاب اول هم دغدغه ام خاورمیانه بود اما بدون این که اسمش را بیاورم و با پرداختن به عشق که مساله ای حاد محسوب می شود در خاورمیانه اما حالا لازم دیدم که اسمش را هم بیاورم و همچنین بگویم از مرزهای انسانی و جغرافیایی، چون این سال ها بیشتر دلم می خواهد به سفر بروم و بیشتر تنم می خورد به خطوط مرزی.

فوتبال را
انگلیسی ها اختراع کردند
و برزیلی ها آزادش کردند
فلافل را
لبنانی ها اختراع کردند
و در شعرهای موصو آزاد شد
بمب را
نمی دانم کجا اختراع کردند
و نمی خواهم بدانم
در کجا آزادش کردند



– چه شد بعد از همکاری با نشر "چشمه" که نشر خیلی مشهوری است در انتشار اولین کتاب شعرتان "فلافل،عاشقانه ها و چند چیز دیگر" دو کتاب جدیدتان ("موصو ، فلافل و خاورمیانه"و "موصو و مرزها") را با انتشاراتی "عبارت" که نشر جدید تاسیسی است همکاری کردید؟

– بر این باورم که شاعر نباید به سراغ انتشاراتی ها برود و اگر یک انتشاراتی خودش قابلیتی در تو ببیند پیدایت می کند. این ایده البته ممکن است همیشه کار نکند و کسی شعرش هم خیلی خوب باشد و انتشاراتی ها در پی اش نباشند با این حال این ایده در مورد من جواب داده و از کیفیت کار هر دو نشر هم راضی ام. ناشری که خودش می افتد دنبال پیدا کردن شعر خوب و بابت آن نه تنها از شاعر پول نمی گیرد که دستمزد هم پرداخت می کند یعنی مساله شعر را جدی گرفته و بهترین تمهیدات را هم برای عرضه آن تدارک می بیند.

– چرا دو کتاب "موصو فلافل و خاورمیانه" و "موصو و مرزها" را با هم نشر دادید؟

– وقتی مسئول نشر عبارت تماس گرفت گفت دوست داریم یک کتاب از تو چاپ کنیم. من هم بلافاصله شعرهایم را جمع کردم و شد دو کتاب، هر دو کتاب را دادم به آن ها و گفتم خودتان از میان این دو یکی را انتخاب کنید که آنها گفتند هر دو تای آن خوب است و می خواهیم هر دو را منتشر کنیم.

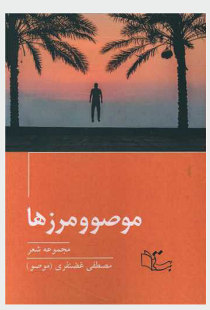
– آیا بوشهری بودن تاثیری گذاشته بر جهان ذهنی شما؟

–جهان آرمانی من ترکیبیست از صمیمیت روستاها و تمدن شهرها، یعنی صمیمیت با دیگران تا آنجا که منجر به کنکاش و دخالت در زندگی دیگران نشود. به نظرم بوشهر در مسیر رسیدن به چنین آرمان شهری قرار دارد، هم اندکی از صمیمیت روستاها را دارد هم اندکی از تمدن شهرها و البته اشکالات ریز و درشتی هم هست که شاید با گذر زمان حل بشود. به نظرم در بستر همین صمیمیت روستاها و تمدن شهرها بوده که وقتی فوتبال از انگلیس رسیده به برزیل جلوه دیگری به خودش گرفته و شادابتر و رهاتر شده، در نهایت هم من به دنبال رهایی ام و بوشهر و برزیل هم با وجود همه اشکالاتشون رهایی بخشند.

– نشر کتاب سالهاست که وضعیت خوبی ندارد و کاری پرریسک محسوب می شود. ظاهرا کتاب شعر وضعش وخیم تر هم است. دو کتاب جدید شعر شما در چنین وضعیتی و وضعیتی که بدلیل حوادث اجتماعی اخیر حال هیچ کس خوب نیست منتشر شده است. به نظرتان کتابهای شما میتواند اندکی حال خراب مخاطب فرضی تان را بهتر کند ؟

–نویسنده ای گفته بود که هیچ حال بدی نیست که با خواندن یک کتاب خوب نشود اما ظاهرا داریم سبک جدیدی از حال های بد را تجربه می کنیم که شاید خواندن کتاب هم افاقه نکند برای برطرف کردن آن.... تضمین نمی کنم که حال کسی با خواندن کتاب من خوب شود اما اگر نویسنده ای پیدا شد که هفده سال هر شب فلافل بخورد و معده اش طبق آخرین آندوسکوپی ها سالم سالم باشد لابد راه حل هایی دارد برای زندگی در شرایط سخت... . در مورد وضعیت نشر هم آن چیزی که به نظرم می رسد این است که محدوده ارائه و پرزنت در ایران گسترده نیست. همین که شبکه های مجازی عمومی شد بازار هنر و کتاب رونقی گرفت یا دست کم بهتر شد. این درست که مردم کتاب نمی خوانند اما پرزنت موثری هم صورت نمی گیرد و آن چه وجود دارد بوی ملال می دهد. اخیرا یکی از فلافلی های بوشهر دارد کتاب های اخیرم را می فروشد و استقبال خوبی هم شده از فروش آن، با یک گل البته بهار نمی شود و بهار شدن هم کار شخص تنها نیست و یک مجموعه آدم کاربلد و متمرکز می خواهد.

تخصصم
شکست خوردن در عشق است
و ایستادن
بر کرانه ی دریاها و مرزها
جز این
ادعایی ندارم



*

دریا
مهم ترین روشنفکر شهر ما بود
و می خواستند
با ریختن فاضلاب
دهانش را ببندند

زندگی آگاهانه

تاب آوری در شرایط سخت (۱)

حسین زیرراهی
مدرس مهارتهای توسعه فردی



در دو سال گذشته این سومین باری است که در مورد تاب‌آوری صحبت می‌کنم. یک بار در اوج بحران کرونا در تابستان گذشته بود که مردم به وحشت افتاده بودند یک آموزش ویدیویی سریالی آماده کردم و در صفحه اینستاگرام behboodeman قرار دادم. بار دیگر بخاطر گرانی و تورم در این مورد صحبت کردم و اکنون هم بخاطر شرایط حال حاضر کشورمان. همین که در کمتر از دو سال با چند بحران روبرو بوده‌ایم خود نشان‌دهنده این است که در کشوری زندگی می‌کنیم که بحران و شرایط سخت بخشی ثابت از زندگی است. شاید هم در منطقه‌ای (خاورمیانه) زندگی می‌کنیم که این ویژگی عادی آن است. هدفم از این مقدمه این بود که ابتدا بپذیریم که چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم بحران با زندگی‌مان عجین است. پس بهتر است زندگی در شرایط بحرانی را یاد بگیریم. یک اسکیمو هیچ وقت در مورد سرما و برف گلایه نمی‌کند. چون پذیرفته است این بخشی از زندگی او است. برای خود ایگلو می‌سازد، شکار می‌کند و لباس گرم می‌پوشد. البته این عرض بنده به معنی پذیرش و بی‌تفاوتی در مقابل شرایط اجتماعی نیست. اتفاقا خیلی هم خوب است که برای رسیدن به حقوق اجتماعی خود تلاش کنیم. ولی غر زدن، نالیدن، سر در گریبان بردن و غرق شدن در شرایط بحرانی قطعا نتیجه‌ای ندارد.

ما در شرایط بحرانی به دلیل تغییرات زیاد، رو به وخامت رفتن اوضاع، نامعلوم بودن آینده و داغ شدن بازار شایعات دچار ترس، اضطراب و عدم آرامش می‌شویم. قادر به تصیم گیری نیستیم و کار و زندگی مان رو به وخامت می‌رود. از پیگیری اهداف و برنامه‌های مان دست می‌کشیم و احساس درماندگی می‌کنیم. این تجربه‌ای طبیعی است و برای همه وجود دارد.

ولی معمولا خودمان هم این وضعیت را تشدید کرده و به آن دامن می‌زنیم. این که در مورد شرایط اغراق کنیم و برچسبهای غیرقابل تحمل، وحشتناک و هولناک بر آن بگذاریم در واقع داریم مغزمان را تشویق می‌کنیم که اوضاع را بدتر از آنچه هست ببیند. البته باز هم یادآوری می‌کنم که هدفم گل و بلبل دیدن شرایط نیست. بلکه عدم تشدید آن است. دیگر این که غرق شدن در اخبار و شایعات است. این که از اول صبح تا قبل از خواب در حال خواندن، شنیدن و دیدن اخبار باشیم هم از کار و زندگی می‌افتیم و هم خود را در هول و هراس می‌اندازیم. خیال تان راحت باشد مغز ما هرگز نمی‌گذارد بی‌خبر بمانیم چون ماموریت دارد برای زنده نگه داشتن ما مرتب خطرها را شناسایی کرده و برایش برنامه بریزد. اخبار هم که پر از تهدید و خطر است. پس حداکثر یک بار در روز آن هم در هنگام خستگی پایان کار روزانه کافی است سری به اخبار بزنیم. قبل خواب و هنگام بیدار شدن هم اخبار ممنوع. نکته دیگر که می‌تواند در این شرایط به ما کمک کند درک این نکته است که ما یعنی ساکنان کره زمین نسبت به تمام گذشته خود در بهترین شرایط از نظر شاخص‌های زندگی هستیم. دنیا در صد سال گذشته و بخصوص در همین چهل سال اخیر در همه زمینه‌ها بهتر شده است. چنان که جمعیت دنیا از ۲٫۵ میلیارد در سال ۱۹۵۰ اکنون به مرز ۸ میلیارد رسیده است.

بذرپاشِ خدمت باشید

حسین روئین تن



وزیر محترم راه ،مدیر کل محترم راه استان بوشهر، بزرگواری که مسئولیت خدمت به جامعه را با هرعنوانی بر عهده گرفته اید.

برهیچ یک از مسئولان استان بوشهر و شهرستان دشتستان پوشیده نیست که مردم وجوانان این استان و بویژه برازجان و حومه مردمی قانع و صبورند، اما هر چه سره سفره باز باشد، باید حیایمان کجا نرود.
همان طور که مطلعید و می دانید چندین سال است که جاده بلفریز به گندم ریز، فرعی از جاده اصلی اهرم به برازجان در کانون توجه مردم دشتستان جهت تفریح و انبساط خاطر و رفع خستگی روزهای کاری شان قرار گرفته است. یعنی در حقیقت این سه کیلومتر جاده نقش یک پارک تمام عیار را برای مردم این دیار ایفا کرده و می کند.
مردم نجیبی که همیشه از حق مسلمشان گذشته اند و از هرگونه تنوع طلبی و زیاده خواهی برحذرند و قانع.
همین جاده کم طول و فوق العاده کم عرض و در عوض پرتردد و پر ترافیک، عصر هر جمعه در دو سمت خود یعنی این باریکه (جاده) میهمان هزار نفر از جوانان و میانسالان و دختر پسر و کودک و خردسالانی است که آمده اند تا با دیدن حرکات آکروباتیک، تک چرخ و ویراژهای هیجانی این هنرمندان موتوسوار، خستگی در کنند و روحیه شاد نمایند. اما متاسفانه گاهی اتفاقات ناگواری میافتد که نه تنها بساط این شادی و تفریح را تلخ بلکه روح و روانها را تخریب و خانواده هایی را عزدار می کند.
جاده کم عرض که همان باریکه آسفالت شده برازنده نامش است بدلیل دوطرفه بودن وترافیک شدید باعث تصادف و صحنه های جانخراشی می گردد.
لُب کلام اینکه برای رفع این نقیصه و محافظت از جان عابران و رانندگان و موتور سواران و تماشا گران مشتاق که یک روز تمام اوقات فراغت خود اینجا سپری میکنندعنایت نموده این سه کیلومتر را عریض یا دو بانده نمایید، این بزرگترین خدمت به مردم وکمترین توقع مردم از شما مسئولان است.

کمبود منابع برای نهضت ملی مسکن

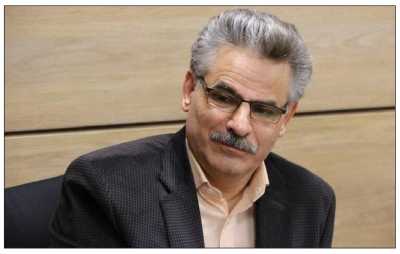
پیشرفت پروژه‌های نهضت ملی مسکن طبق برنامه و متناسب با شعارهای دولت نبود. رحمت‌الله فیروزی، عضو کمیسیون عمران مجلس درباره آخرین تصمیمات دولت برای تامین مالی پروژه نهضت ملی مسکن و برنامه وزیر اقتصاد برای تامین مالی ۱۰ هزار میلیارد تومانی و عقب‌ماندگی بانک‌ها برای پرداخت ۳۶۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش مسکن گفت: «مجموعه دولت، مجلس، شبکه بانکی و... قصدشان این است و دِل‌شان می‌خواهد که نهضت ملی مسکن به اجرا برسد، اما لازمه آن داشتن منابع است و دولت منابع مورد نیاز را در اختیار ندارد و واقعا در عدم تامین منابع عمدی در کار نیست. نبود منابع به شرایط ارزی کشور، وضعیت مالی و بودجه‌ای کشور برمی‌گردد و امیدواریم با روش‌هایی که اتخاذ شده بتوانند نیاز به تامین مالی را رفع کنند و سرعت اجرای این پروژه افزایش پیدا کند، اما به‌طور قطع برای تامین منابع مالی نیاز به حمایت بانک‌ها داریم و باید منابع در نظر گرفته‌شده را در قالب تسهیلات به بخش مسکن اختصاص دهند.

در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران پیرامون اعتراضات با عنوان «اعتراضات ۱۴۰۱، ماهیت، چیستی و چرایی» مطرح شد:

اعتراضات و ضرورت فهم فرهنگی از گسست‌های موجود

نعمت‌الله فاضلی – استاد دانشگاه علامه طباطبایی

روایت‌های متفاوتی از اعتراضات تا امروز مطرح شده است؛ روایتی که من از این اتفاقات می‌بینم، روایتی است که در امتداد مسائلی است که پیش از این هم بیان شده است.
یوری لوتمان، از جامعه‌شناسان مطرح روس در تعریف فرهنگ می‌گوید کار فرهنگ این است که اول واقعیت را معنا کند، دوم این که واقعیت را سامان دهد و سوم سازوکار آن را توضیح دهد. در واقع فرهنگ برای این که بتواند واقعیت را معنا کند و سازوکار آن را شرح دهد، باید براساس گفتمان جامعه، از تکثر برخوردار باشد. شرط لازم برای شکل‌گیری فرهنگ این است که حداقل دو زبان وجود داشته باشد. واقعیت و جامعه سپهر نشانه‌شناختی است که افق نمادین و معنایی است که ما انسان‌ها آن را تشکیل می‌دهیم.
اگر این سپهر نمادین تک‌زبانه باشد، امکان شکل‌گیری فرهنگ وجود ندارد. فرهنگی که بتواند واقعیت را معنا دهد و مردم در یک کشور بتوانند در کنار یکدیگر، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند و احساس کنند که زیر فرهنگی با هم و کنار هم زیست می‌کنند. یوری لوتمان در کتاب «انفجار و فرهنگ» معتقد است؛ سازوکار فرهنگ، براساس ایستایی و پویایی جامعه است. براین اساس جامعه دو فرهنگ را تجربه می‌کند. یکی فرهنگ تدریجی و دیگری فرهنگ انفجاری، و هردوی اینها مهم است. در این مواقع، نمی‌توان گفت نظام سیاسی به این تغییرات تن داده است، چون اینها تغییرات اجتناب‌ناپذیری است که هیچ قدرت سیاسی قادر نیست با آن برخورد کند و آنها کار خود را پیش می‌برند. این فرآیند تدریجی وجود دارد. آن‌چیزی که جامعه را به موقعیت پراگماتیک می‌رساند، موقعیت انفجار است که جامعه را به مرحله پویایی می‌رساند. مثل این که در موسیقی، شعر، ادبیات، رمان، علم و فلسفه جایی سبک و ریتم و قالب و نظریه جدید می‌آید و انفجار رخ می‌دهد.
البته فرهنگ‌های ارتجاعی و تدریجی دائم با یکدیگر در کشمکش هستند و عموما محافظه‌کار هستند و اصرار دارند بر تدریجی بودن پافشاری کنند و بگویند همیشه همین بوده است. اما تجربه نشان می‌دهد ناگهان انفجار رخ می‌دهد و فرهنگ جدید متولد می‌شود.
وقتی انفجار رخ می‌دهد، منابع معنایی جامعه دگرگون می‌شود و شیوه برداشت مردم از جهان، زندگی، زمان و مکان تغییر می‌کند. انفجار وقتی رخ می‌دهد که این سپهر معناشناختی ظاهر شود و ناگهان احساس می‌کنیم چشمه‌ها باز شده و حالا باید جور دیگری زندگی را تفسیر کرد. مسائلی را در زندگی می‌بینیم که هرچند قبلا نشانه‌های آنها وجود داشت، اما در سپهر فرهنگی جامعه نبود. در لایه‌های جامعه وجود داشت، اما در سیستم نبود. در ساختار بود، اما در سیستم دیده نمی‌شد. ساختار یعنی فرهنگ‌های تدریجی مثل دین و سنت اما سیستم یعنی نظام سامان فرهنگی اجتماع که شامل مدرسه و دانشگاه و رسانه است که افراد به شکل رسمی و معتبر می‌توانند سپهر معنایی خود را ببینند. انقلاب اسلامی از سال ۵۷ به بعد، که می‌خواست فرهنگ را سامان بدهد و معناها و نمادها در نظام قانونی و رسانه‌ای کشور سپهر معنایی پیدا کردند، به‌تدریج تک‌زبانه شد و زمانی که تک‌زبانه می‌شود، همچنان که پیش از این گفته شد، فرهنگ از تولید باز می‌ماند. زمانی که دو گفتمان و دو رقیب در جامعه باشند، پویایی و خلاقیت جامعه



بیشتر می‌شود، اما در نبود دو رقیب و دو زبان، فرهنگ از زایش بازمی‌ماند. در جامعه اتفاقاتی رخ می‌دهد اما این اتفاقات در سامان فرهنگی جامعه نیست. مثلا در خودرو روسری خود را برمی‌دارند یا موسیقی زیرزمینی برگزار می‌کنند و تحولات پرشمار دیگری که در مهمانی‌ها و رویاها و گوشه وکنار جامعه رخ می‌دهد که با استانداردهای رسمی‌شده سامانه فرهنگی رسمی‌شده و قانونی‌شده جامعه ناسازگار است. یعنی اتفاقات در ساختار است، اما در سامان نیست. حکومت هم قوانین را تمدید می‌کرد که نشان دهد این تغییرات، رسمی و استاندارد و سامان فرهنگی نیست. از نظر نشانه‌شناسی فرهنگی، جامعه تک‌زبانی، نه‌تنها سامان فرهنگی ندارد، بلکه کشمکش‌های جامعه، به‌شکل مخرب به‌وجود می‌آید. چنان چه در سال‌های پیش شاهد آن بودیم که به این تعارض‌های فرهنگی واژه آسیب اطلاق می‌شد و برای برطرف کردن آنها به سراغ آسیب‌شناسی می‌رفتند.
در حوزه اینترنت، حوزه دانشگاه، حوزه مطالعات دینی و قرآن‌پژوهشی و عزاداری‌های آئینی و... آنقدر از واژه آسیب‌شناسی استفاده شد که این مطلب هژمونی پیدا کرد. البته سپهر زیستی با سپهر نشانه‌شناسی تفاوت دارد ولی این استعاره آسیب‌شناسی برای سرکوب کردن یا جلوگیری کردن از ورود زبان دیگر به فرهنگ پدید آمد تا مانع شکل‌گیری زبان دیگر شود.
شرط شکل‌گیری معنا و این که واقعیت بتواند به معنا تبدیل شود، وجود حداقل دو زبان است. جفت‌های تقابلی بخش آنتولوژی هستی هستند. در سال‌های اخیر، تک‌زبانگی در سطح سامان فرهنگی، که حکومت آن را شکل می‌دهد، دچار انسداد شد و این ایدئولوژی تنها زبانی بود که امکان سخنگویی داشت و اساسا واژه فرهنگ جای ایدئولوژی بود. در واقع هرجا صحبت از فرهنگ می‌شد، منظور ایدئولوژی بود چراکه فرهنگ اساسا در گفتمان رسمی جامعه وجود نداشت. اساسا آنجا امکان شکل‌گیری معنا وجود نداشت و دچار نوعی کوربینی بودیم.
اتفاقی که افتاد این بود که سامان فرهنگی، وارد گفت‌وگو شد و مطلع آغازین این گفت‌وگو که بتواند با زبان دیگری هم گفت‌وگو کند. این نظام با نشانه‌ای متفاوت، چند ویژگی دارد. یکی از این ویژگی‌ها، برجسته کردن بدن است. مسئله بعدی، مسئله هنر و زیبایی‌شناسی است که می‌بینیم موسیقی، دیوارنویسی، شعر، ادبیات، گرافیک‌ها و... به‌طور انفجاری، ظاهر شده‌اند، به اهمیت زیباشناسی در سامان فرهنگی برمی‌گردد.
تعبیری که من می‌توانم نام ببرم، سپهر نشانه‌شناختی در حال ظهور است که با سرعتی که در حال پیشرفت است، می‌توان آن را پایه‌گذار زبان فرهنگی جدید نامید. این به‌معنای از بین رفتن تغییرات تدریجی نیست، بلکه تغییرات تدریجی با تغییرات انفجاری ترکیب می‌شود و سامانه فرهنگی جدید را تشکیل خواهد داد. این مسئله به این معنا نیست که امر اقتصاد و سیاست و اجتماع اهمیت ندارند، بلکه اینها به‌مثابه امر حیات‌بخش در حیات انسان نمود پیدا می‌کنند. تا زمانی که کالاها و اشیا و قدرت، جمعیت و... به نشانه تبدیل نشوند، در سامانه جمعی، وجود واقعی نخواهند داشت.
آینده این اتفاقات، به این بستگی دارد که چقدر نظام سیاسی حاکم، زبان دیگر را اعتبار ببخشد؟ اگر به آن اعتبار ببخشد، باید بپذیرد که جامعه حداقل دو زبان دارد و یکی از زبان‌ها تفاوت‌های رسمی با زبان رسمی دارد و حداقل این که سکولار است و در درون حتی شاید لائیک باشد و پذیرش این زبان دوم، لازمه پایداری گفتمان رسمی است. میزان گفت‌وگوپذیری با این زبان دوم و اعتبار دادن آن به‌جای نفی و انکار آن، مسئله‌ای است که آینده این اتفاقات را مشخص می‌کند. گرچه در سال‌های ابتدایی انقلاب، رهبران آن معتقد بودند در این نظام مارکسیست‌ها هم در ابراز عقیده آزاد هستند.
اگر همه زن‌ها در خیابان بدون روسری باشند، اما تلویزیون جمهوری اسلامی از نمایش دادن تصویر این زنان اجتناب کند، هنوز در سپهر نشانه‌ای جامعه تغییر رخ نداده است. لذا این که زنان در خودرو از روسری استفاده نکنند، فقط یک تعبیر دور از فهم فرهنگی جامعه است؛ چون این رفتار به‌عنوان آسیب مطرح می‌شد.
اتفاقا افرادی هم که در این اعتراضات هستند، باید گفتمان غیرمعترضان را به‌عنوان یک زبان دیگر بپذیرند. پذیرش این زبان دیگر به این معنا نیست که حرف آنها حاکم شود، بلکه از لحاظ نشانه‌شناسی، جامعه برای حفظ حیات اجتماعی نیاز به حداقل دو زبان دارد و باید بتواند دو تحول انفجاری و تدریجی را توأمان باهم پیش ببرد.
سامان فرهنگی، وقتی می‌تواند پایدار باشد که این انفجارها، در سطح زندگی، در اشیا و کالاها، در آموزش، مدیریت شهری و سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی، پذیرفته شود. البته لازمه چنین اتفاقی این است که نوعی مدارا و احترام به ارزش‌های دیگری و پذیرش دیگری اتفاق بیفتد. علی‌اصغر مصلحی در کتاب «با دیگری»، معتقد است سیستم فعلی فرهنگی در این سال‌ها مدام تغییرات را به دیگری که باید با او جنگید، نسبت می‌دهد و این باعث شد که تفاوت‌ها در گفتمان رسمی از بین برود و یک زبان همگن‌ساز، تبدیل به گفتمان رسمی تبدیل شود. امروز وضعیت کتابخانه‌های کشور را ببینید. براساس آمار، فقط سه‌درصد مردم عضو کتابخانه‌ها هستند و تنها یک‌درصد مردم برای مطالعه کتاب، به کتابخانه مراجعه می‌کنند. صدها سالن اجتماعات داریم که خالی هستند. هزاران مدرسه و دانشگاه داریم که هیچ‌کدام مولد نیستند. در مدارس و دانشگاه هم باید به‌شکلی باشد که دو زبان وجود داشته باشد. صداوسیمای ایران هم به همین دلیل با وجود ده‌ها شبکه با بحران مخاطب مواجه است.
اگر نظام سیاسی این قابلیت را پیدا کند که این تکثر را در خود جای بدهد و نیروهای قومی و سبک‌های زندگی و... به‌خصوص زمانی که اینها با یکدیگر تضاد دارند را در خود جای بدهد، به پایداری خود کمک کرده است. قابلیت پایداری نظام سیاسی به فرهنگ بستگی دارد و اینکه زبان‌های مختلف را معتبر بداند. آینده این اعتراضات به این بستگی دارد که فهم فرهنگی از گسست‌ها وجود داشته باشد، نه فهم اقتصادی و به این مسئله توجه کند که این انفجار به عقب بر نخواهد گشت و هرگز از بین نمی‌رود و روزبه‌روز بیشتر، تثبیت می‌شود و هرچقدر زمان بیشتری بگذرد، آن روی سکه، تنش‌ها و کشمکش‌ها و بحران‌ها و خشونت‌های بزرگ، تشدید خواهد شد./ هم میهن

در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران پیرامون اعتراضات با عنوان «اعتراضات ۱۴۰۱، ماهیت، چیستی و چرایی» مطرح شد:

معترضان و اصلاح‌طلبی

محمدرضا کلاهی - جامعه‌شناس

چند مقدمه کوتاه در ابتدای بحث لازم است. یکی اینکه نباید این اتفاقات را رمانتیزه کرد و جدی گرفت. ستایش کردن صرف به این معنا که یک کارناوالی برای ستایش بوده کافی نیست و باید همه لحظات خاص آن را بررسی کرد. مسئله بعدی اینکه باید این تجربه به بیان دربیاید و به سطح گفتمان کشیده شود. گاه گفته می‌شود نظریه‌پردازان از مردم عقب افتادند و باید به کف خیابان توجه کرد. به نظر من کف خیابان یک ماده خامی است که تا به سطح گفتمان تبدیل نشود، بی‌اثر است. این حرکت‌ها می‌تواند رهایی‌بخش باشد و می‌تواند سرکوبگر باشد و می‌تواند به حدی در دام پوپولیسم بیفتد که از وضعیت فعلی بهتر شود. لذا باید نقد شود تا بتوان مسیر آن را تعیین کرد.

مقدمه دیگر اینکه اتفاقات کف خیابان، لحظاتی دارد که سرکوبگر است. لحظاتی که همین امروز هم می‌بینیم که فضای به‌شدت تهاجمی در نقاطی از این حرکت‌ها شکل گرفته که دائم دیگران را به‌خاطر اینکه به‌اندازه کافی انقلابی نمی‌بینند، طرد می‌کند. افراد انقلابی‌نما، می‌خواهند معترضان تا آخر بروند. همین‌الان هم ممکن است به این صحبت برچسب محافظه‌کاری بزنند. به نظرم در این صحبت‌ها یک شارلاتانیزمی حاکم است که باید به‌شدت از آن پرهیز کرد. اما وجه رهایی‌بخشی هم در این حرکت است که با دو امر دیگر درهم‌تنیده است. یکی تبعیض جنسیتی و دیگری تبعیض مذهبی.

لحظه پوپولیستی یک ویژگی دیگر هم دارد و آن‌هم تاریخ‌زدایی از این حرکت است. علی میرسپاسی چندی قبل به نکته مهمی اشاره کرده بود. اینکه این حرکت یک تاریخی دارد. اما برخی طوری تعریف می‌کنند که گویا لحظه‌ای به‌وجود آمده است اما ما صدوبیست سال سابقه تاریخی داریم. از مبارزات دوره مشروطه گرفته تا اصلاح‌طلبی که همین چند سال پیش رخ داده است. برخی اصرار دارند این را از گذشته خود جدا کنند و تبدیل کنند به فضایی که هر معنایی روی آن بار شود. در این وضعیت چه معنایی روی آن بار می‌شود؟ هر معنایی که قدرت بیشتری داشته باشد. تصادفی نیست کسانی که این حرکت را از قدرت تاریخی و اصلاح‌طلبانه خود جدا می‌کنند با پمپئو و مکرون دیدار می‌کنند.

البته نوع دیگری از مواجهه با تاریخ به این صورت است که برای تبیین وضعیت امروز، به‌سراغ اعماق تاریخ برویم و از اسطوره‌های دو هزار سال پیش مثال بزنیم. وقتی شما دو هزار سال وضعیتی را در یک ویژگی ثابت می‌بینید یعنی اساساً تاریخ را نمی‌بینید. به‌عنوان مثال از ابتدای مشروطه تا امروز، نقاط عطفی را می‌توان پیدا کرد. خود مشروطه، برآمدن پهلوی‌ها، جنبش ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و این حرکت، نقاط عطف این سال‌ها بوده‌اند. این اتفاقات در دو ویژگی شریک‌اند. یکی اینکه نزاعی وجود داشته؛ بین خود و دیگری، بین غرب و شرق. این نزاع در عین اینکه دستاوردی داشته است، یک فرورفت‌هایی هم داشته است. ویژگی دوم هم این است که تلاشی برای جریان عام دموکراسی‌خواهی بوده است. حتی انقلاب ۵۷ هم تلاشی برای رسیدن به دموکراسی بود.

اعتراضات فعلی، گرچه ادامه همان تلاش‌ها برای تغییر وضعیت است، همزمان در درون خود، ردی از دوگانه‌سازی‌های خود و دیگری ندارد. آنچه که در دوره مشروطه بود و در دوره پهلوی بود، و گفتمان‌هایی که سعی داشت علیه غرب خود را تعریف کند و در انقلاب ۵۷ وجود داشت و در جریان اصلاحات هم رگه‌های ضعیف آن بود. اما در این حرکت به شکل مشهودی، از این دوگانه‌سازی رها شده است و به یک تحلیل جامع‌تر رسیده است. به این معنا نیست که این کار را کرده است بلکه پتانسیل آن فراهم شده است. فرض کنید در این کشور، جاهایی بسیار پیشرفته است و جاهایی هم وجود دارد که افراد فقیری زندگی می‌کنند و افرادی هم بین این‌دو وجود دارند. آیا می‌شود به فقیران آن سنتی و به گروه دیگر مدرن گفت؟ این تبدیل کردن ماجرا در چهارچوب سنتی و مدرن، ناشی از اتوپیایی‌سازی از وضعیت مدرن است و وضعیت‌هایی که مسئله‌دار هستند را از دایره مدرن اخراج می‌کنیم.

اگر گفتارهای انقلاب ۵۷ را ببینید، این دوگانه‌سازی همیشه وجود داشته است. این پتانسیل باید به ما کمک کند که از این دوگانه‌سازی رها شویم. یک برش تاریخی دیگر را ببینید. من معتقدم، هسته مرکزی این اعتراضات، محصول دوره اصلاحات است. این حرکت یک وجه محتوایی دارد که مخالفت با انحصارگرایی است که همان محتوای گفتمان اصلاح‌طلبی است. این مفهوم را اصلاح‌طلبی وارد ادبیات ما کرد. اصلاح‌طلبان مسائل دیگری را هم وارد ادبیات سیاسی ما کردند. مثل حزب، جامعه مدنی، حتی انتخابات به این معنایی که امروز مطرح می‌شود و... . به‌جز وجه محتوایی، وجه روشی هم داشت که اصلاح کردن مقابل انقلاب کردن تعریف می‌شد. این همان وجهی است که پوپولیسم حاضر در این حرکت، با آن مخالفت می‌کند. با پمپئو جلسه می‌گذارد اما اصلاح‌طلبان را نمی‌پذیرد.

در زمانی که اصلاح‌طلبی متولد شد و جریان دموکراسی‌خواهی شکل گرفت، این نیاز به حزب و جامعه مدنی دارد و بسیاری از حرف‌های امروز، برآمده از همان جامعه مدنی است.

البته اصلاح‌طلبی چند ایراد هم داشت. از خلال اعتراضات اخیر می‌خواهم به جریان اصلاحات نگاه کنم. یکی اینکه مسائل را ذهنی می‌دید. گمان می‌کرد افرادی که در مسئولیت قرار داشتند تعصب و جهل دارند و اگر کنار بروند، مشکل حل می‌شود. آنها در نظر نمی‌توانستند رفتارهای خود را صورت‌بندی کنند و اعتراضات امروز ناشی از ناتوانی آنها است و بنابراین، مسئله را یک امر اعتقادی می‌دیدند نه امر اجتماعی. وضعیت را از جنس هستی‌شناختی می‌دیدند و معتقد بودند نظم شکل‌گیری آنها باعث این مشکلات شده است. افرادی مثل عباس عبدی و زیدآبادی هم همچنان این نظر را داشتند. گرچه توفیقاتی هم داشتند و مثلاً ادبیاتی مثل دموکراسی‌خواهی را به ادبیات ایران اضافه کردند یا در تعریف آن تأثیر زیادی داشتند و آن را از زیر فشار بومی‌گرایی احیا کردند. ولی این ذهنی‌گرایی در نهایت به نصیحت‌گرایی انجامید. برخی مدام اینها را پیدا می‌کنند و نصیحت می‌کنند. دموکراسی یعنی حاکم شدن توده‌ها و اصلاح‌طلب‌ها مدام در مقابل رفتارهای جناح حاکم، مرتب از تخصص‌گرایی صحبت می‌کنند. درحالی‌که متخصص‌ترین افراد هم که در مسئولیت قرار بگیرند وضعیت همین است. کمااینکه در میان طبقه حاکمان افراد متخصص هم هستند و این اعتراضات این ظرفیت را دارد که از نصیحت فراتر برود./ هم میهن

نگاهی به فیلم جاده خاکی اولین فیلم پناه پناهی

حکایت تلخ رفتن

دکتر محمد جعفر ایزدپناه



میگویند حلال زاده به داییش میره ولی حلال زاده میتواند به پدرش هم برود. حداقل در سینمای ایران این اتفاق افتاده؛ لیلا حاتمی مثل پدرش علی حاتمی هنرمند توانایی است ، همایون شجریان که توانست بخوبی جای پدرش محمد رضا شجریان را پر کند، گلیشفته فراهانی بخوبی مسیر پدرش بهزاد فراهانی را ادامه داد ، مانی حقیقی نام آورتر از پدرش نعمت حقیقی شد، سمیرا مخملباف او هم مثل پدرش فیلمساز قابلی شد و در تازه ترین مورد پناه پناهی پسر ۳۸ ساله جعفر پناهی است که با اولین فیلم جاده ایش بنام جاده خاکی با محتوای انسانی مهاجرت جا پای جای پدر گذاشته و تاثیر پذیریش از جعفر پناهی بحدی است که گاهی تصور میشود خود جعفر پناهی فیلم را کارگردانی کرده است. این فیلم در جشنواره فیلم کن نیز به نمایش درآمد و موفق شد جایزه بهترین فیلم فستیوال لندن را بدست بیاورد .

"جاده خاکی" در دسته فیلمهای جاده ای قرار میگیرد و هیچ نما در فضای بسته ای فیلمبرداری نشده است. داستان فیلم سوژه تلخ سالیان اخیر ایران است. داستان ایرانیان ناراضی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است که بین ماندن و رفتن، مهاجرت را با همه مشکلاتش انتخاب می کنند. جوانانی که امکان مهاجرت قانونی ندارند هم بر سر زندگی‌شان قمار میکنند، جوانانی که تنها داراییشان جانشان را در دست میگیرند و آواره کوه و بیابان میشوند شاید آن ور مرزها بتوانند به حداقل های زندگی دسترسی پیدا کنند.

قاعدتا فیلم باید تلخ باشد ولی کارگردان بخوبی از غلطیدن فیلم در دام تلخی مفرط خودداری میکند. انتخاب "حسن معجونی" با شخصیت خونسرد و بی خیالی همیشگیش و "پانته ا پناهی ها" با اجرای گرم و حضور کودک بیش فعالشان و شوخی های کلامی بین آنها فیلم را سر زنده نگه میدارد.

با وجودیکه فیلم کلا در یک ماشین و جاده میگذرد تماشاگر در طول یکساعت و نیم زمان فیلم خسته نمیشود، کارگردان هر جا احساس میکند تلخی فیلم زیاد شده با انتخاب موسیقی شاد فضا را تلطیف میکند.

در طول فیلم بجز کودک، همه غمگین هستند ولی شرط پسر بزرگ این است که کسی گریه نکند تا از این آخرین دیدار خاطره تلخی بجا نماند، همه تلاش میکنند حال خوش کودک را خراب نکنند، کودکی که هنوز در ذهن معصومش تصور زیبایی از خاک ایران دارد و درکی از آنچه در ذهن والدین است ندارد و هر جا منظره زیبایی میبیند معصومانه بر خاک بوسه میزند، خانواده تلاش میکنند چهره زیبای ایران را در ذهن کودک مخدوش نکنند .

لحظه خداحافظی پسر بزرگتر با خانواده و همراهی با قاچاقچی هایی که غیر قانونی مسافران را از مرز رد میکنند، در فیلم های دیگر احتمالا به صحنه های پراز سوز و ناله تبدیل میشد ولی اینجا در یک قاب زیبا از طبیعت سرسبز و نمای دور چند دقیقه ای جدایی تلخ پسر از خانواده روایت میشود.

در صحنه دیگر پدر با پسر کوچکش در حال خیال بافی هستند و صحنه با خلاقیت کارگردان تبدیل



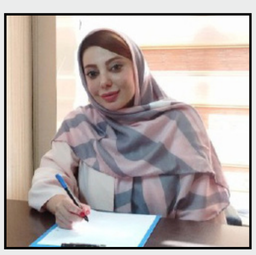
به سکانسی فانتزی میشود، کیسه خواب پدر شبیه لباس های فضایی میشود و کرم های شب تاب تبدیل به ستاره های آسمان میشوند.

موسیقی فیلم از میان ترانه های محبوب مردمی انتخاب شده و در خدمت روند داستان است؛ مثلا در جایی مادر با لب خوانی اهنگ کوچه بازاری قدیمی از مهوش، تلاش دارد بین پسر و پدر آشتی برقرار کند . یا در انتهای فیلم انتخاب ترانه ابی و لب خوانی پسر در جهت انتقال پیام فیلم است که پایان تلخی را پیش بینی میکند و مرگ طبیعت و حیات وحش را هشدار میدهد.

فیلم "جاده خاکی" دغدغه مسائل انسانی را دارد و مشکل جدایی نسل آینده از کشور را روایت میکند. جدایی که سرانجام خوبی برای ایران ندارد و هشدار میدهد که خالی شدن کشور از این سرمایه های انسانی باعث حل نشدن مشکلات خواهد شد.

استرس خود را کنترل کنید

دکتر مریم موسوی - روانشناس



همه افراد در طول زندگی استرس را تجربه می کنند بطور کلی می توان گفت استرس، تنش و برانگیختگی بدنی و ذهنی در واکنش به اتفاقات و شرایطی است که سازگاری فرد را به هم می زند. اگرچه استرس در زندگی همه ما وجود دارد، اما واکنش افراد متفاوت است. استرس، سیستم ایمنی را ضعیف می کند و فرد نسبت به ابتلا به بیماری ها آسیب پذیرتر می شود، همچنین اگر مقابله سازنده ای با استرس صورت نگیرد موجب دردهای اسپاسم گونه و گرفتگی عضلات، سردرد، فشار خون بالا، مشکل در تمرکز، اختلال در خواب و تصمیم گیری و مسائل متعدد دیگر می گردد. داشتن حمایت خانوادگی و حمایت اجتماعی مناسب مانند شرکت در کلاس های گروهی مثل کلاس های هنری، انجمن ها و عضویت در باشگاه ورزشی یا یادگیری یک مهارت جدید و انجام فعالیت هایی مثل باغبانی و نگهداری از گل و گیاه، مثبت اندیشی، دعا و نیایش، داشتن انعطاف پذیری و تاب آوری بیشتر، انجام تنفس عمیق که می شود گفت پادزهر استرس است به این گونه که هوا را به آرامی به درون ریه هایتان بفرستید و تا شماره ۴ بشمارید حالا به آرامی هوا را از ریه ها خارج کنید، همچنین تاکید بر نقاط قوت و توانمندیتان، داشتن پیاده روی و انجام فعالیت ورزشی مستمر، صحبت با یک دوست، نوشتن احساسات و داشتن سبک زندگی سالم و توجه به این نکته که همانگونه که هیچ ابری در آسمان ماندگار نیست، نگرانی و استرس هم موقتی است و پایدار نیست می توانند کمک کننده باشد. همچنین درصورت ادامه داشتن استرس و تبدیل شدن به مشغله شدید فکری یا نشخوار ذهنی و مختل شدن عملکرد روزانه تان حتما با یک متخصص در ارتباط باشید.

۱۰ کالا مشمول کالابرگ

طرح کالابرگ الکترونیکی مشمول ۱۰ گروه کالایی یعنی شیر، پنیر، ماست، روغن، برنج، مرغ، تخم‌مرغ، ماکارونی، قند و شکر است. به گزارش مهر، صولت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، اظهار کرد: «عملیات اجرایی طرح کالابرگ الکترونیکی از چهارشنبه به‌صورت آزمایشی در استان هرمزگان آغاز شد.» او با اشاره به اختیاری بودن این طرح بیان کرد: «این طرح آزمایشی را ارزیابی می‌کنیم و چنانچه مطلوب بود آن را به سرعت در کل کشور تعمیم خواهیم داد.» مرتضوی اضافه کرد: «کالابرگ الکترونیکی با قیمت پایه شهریور ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است و مابه‌التفاوت آن به‌صورت یارانه به مردم پرداخت می‌شود، همچنین در صورت افزایش قیمت کالاها، تمهیدات جبرانی پیش‌بینی شده است.» او گفت: «مردم و متقاضیان هم می‌توانند از فرصتی که تقریباً یک ماه زودتر از موعد مقرر واریز یارانه نقدی به حساب مردم است، استفاده کنند.»

مرگ افزایشی در اثر آلودگی هوا

رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا نسبت روند افزایشی آلودگی هوا هشدار داد. محمدصادق حسن‌وند دراین‌باره گفت: «سالانه ۴۵هزار مرگ ناشی از آلودگی هوا وجود دارد که در این میان هفت‌درصد مرده‌زایی است.» او ادامه داد: «برای اولین‌بار در تاریخ کشور پنج‌سال است که روند افزایش غلظت آلاینده‌ها را شاهد هستیم و تقریبا غلظت ذرات معلق کمتر از ۲/۵میکرون، افزایش شش‌برابری پیدا کرده است.» حسنوند با بیان اینکه دو سال است شاهد برگشت دی‌اکسید گوگرد هستیم که این نشان می‌دهد وضعیت خوبی نداریم، گفت: «سالانه ۴۵هزار مرگ ناشی از آلودگی هوا وجود دارد که در این میان هفت درصد مرده‌زایی است. این درحالی‌است که ما دنبال جوانی جمعیت هستیم. پنج برنامه توسعه‌ای داشتیم که در همه آنها تاکید شده، هوای پاک حق مسلم است اما در هیچ‌کدام از این برنامه‌ها این حق به‌وجود نیامده است.»

کاهش اعتبار یارانه شیر خشک

رئیس سازمان غذا و دارو خبر داد که در لایحه بودجه ابراهیم رئیسی برای سال ۱۴۰۲، اعتبارات مربوط به یارانه شیر خشک، کاهش فرانشیز، داروهای بیماری‌های صعب‌العلاج و طرح دارویاری کاهش یافته است. به گزارش ایسنا، حیدر محمدی دراین‌باره گفت: «سازمان غذا و دارو خواستار دریافت اعتبار ۱۰۵هزار میلیارد تومانی برای سال آینده شد، ولی در لایحه بودجه، اعتبار ۶۹هزار میلیارد تومانی برای طرح دارویاری در نظر گرفته شده است.» او در ادامه هشدار داد: «در اعتبارات سه ردیف بودجه‌ای سازمان غذا و دارو برای سال ۱۴۰۲، کاهش شدید داشته‌ایم که در صورت عدم اصلاح آنها، تامین دارو دچار مشکل می‌شود.» پیش‌تر حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در روز ۲۱دی‌ماه نامه‌ای به رئیس‌جمهوری اسلامی فرستاده و درباره وضعیت دارو به او هشدار داد.

شرکت‌های بزرگ استان بوشهر به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کنند

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: پتروشیمی‌ها، گمرک، نیروگاه اتمی و شرکت‌های بزرگ به مسئولیت‌های اجتماعی خود در قبال آموزش و پرورش عمل کنند. با ورود هر کدام از این شرکت ها به فضای ساخت و تجهیز مدارس، می توانند گام های اساسی برای خدمت به مردم استان در قالب مسئولیت های اجتماعی بردارند.

بوشهر از احتسابیه تا بلدیه

دکتر حمیداسدپور - مجتبی محمدی

دوران سلطنت ناصرالدین شاه بر ایران، مقطعی است تاریخی که زمینهٔ آشنایی ایرانیان با پیشرفت و توسعهٔ کشورهای اروپایی فراهم شد. بنابراین، در ابتدا و متناسب با ادبیات و فرهنگ سیاسی و اجتماعی آن زمان اداره ای به نام "احتسابیه" به دستور ناصرالدین شاه تأسیس شد که متولی تنظیف و رسیدگی به امور شهری بود. بر این اساس این اداره برای نخستین بار، نظم امور شهری را در ایران به اجرا درآورد. علاوه بر پایتخت، ادارهٔ احتساب شعباتی را در ولایات ایران به دستور شاه دایر نمود که یکی از این شعبات در بندر بوشهر ایجاد گردید.

به نظرمی‌رسد عوامل مهمی چون؛ موقعیت اقتصادی سیاسی بندر بوشهر در معادلات قدرت از یکسو و همچنین عدم بهره مندی مناسب از سیستم فاضلاب شهری و شیوع امراض و بیماری های گوناگون عفونی، درکنار معابر تنگ و غیرقابل عبور بافت شهری بوشهر ارائه خدمات شهری را برای اولین بار از سوی حکومت و برخی از تجارمتمول بوشهر ضروری می‌نمود.

در سال ۱۲۹۶ ه.ق، فرمانی از سوی ناصرالدین شاه به منظور رتق و فتق امور و همچنین رسیدگی به امور ارزاق و حسبیه در بوشهر صادرگردید،که به نوعی می‌توان این فرمان را منشأ اولیه شکل گیری امور حسبیه در بوشهر و بنادر جنوب قلمداد نمود. این فرمان ناصرالدین شاه را که مبتنی بر رعایت و نظارت بر قیمت اجناس بود، به نوعی می‌توان پایه و اساس نخستین فعالیت‌های احتسابیه در بوشهردانست. بنا برگزارش هایی که از نمایندگان کارگزاری های دول خارجه و همچنین شخصیت های داخلی در بوشهر بر جای مانده وظیفهٔ احتساب بیشتر بر عهدهٔ حکومت و حاکم مستقر در شهر بود. حکام وقت و برخی از بازرگانان متمول بوشهر به مانند خاندان ملک التجار با استخدام تعدادی عمله و همچنین اختصاص دادن تعدادی چهارپا به این کار مبادرت ورزیدند. با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه گمرکات در جنوب ایران وادارهٔ بنادر جزایرخلیج فارس گمرک بوشهر و ریاست وقت آن "موسس خان ارمنی" با اختصاص مبلغی وجه نقد در حدود ۵۰۰ قران و همچنین اختیار نمودن افرادی با وظایف تعیین شده، به نظافت شهر و پاکسازی معابر اصلی شهر بوشهر اقدام نمودند. روند نظارت برکیفیت خدمات شهری و بازار بوشهر، که در این دوره نام احتسابیه به خودگرفته بود رفته حتی تا سالها پیش از عصر ناصری به وسیله حاکم بوشهر بر بازار اعمال می‌شد. وظایفی چون ارائه خدمات شهری و تشکیلات انجمن بلدیه و انتخابات مربوط به آن برعهده حکومت بوشهر بود.

درگزارشهایی که در روزنامه ایران به سال۱۲۹۲هـ‌ق/ ۱۸۷۵م.آمده است، از نقش حکومت بوشهر در تنظیف امور شهری به تفصیل سخن رفته است. در این گزارش آمده است که عبدالحسین خان سرتیپ حاکم بوشهر بیشترین اقدامات را در زمینه تنظیفات شهر به کار گرفته بود. از همین روی شرایط نامناسب حاکم بر فضای شهری بندر بوشهر، که بنا به دلایل گوناگون فضای عمومی این بندر را تحت تأثیرخود قرار داده بود، به مرور حکومت و طبقات گوناگون مردم، اعم از بازاریان و بازرگانان مشهور شهر از جمله؛ حاج محمد مهدی ملک التجار را به این نتیجه رسانید که می بایست در تدارک چاره ای برای سنگفرش نمودن خیابان ها و معابر و همچنین تعبیه چراغ هایی به منظور روشنایی هرچه بیشتر خیابان ها بود. در میانه‌های عصر ناصری گروهی از تجار متمول و حکومت بوشهر اقداماتی در راستای رسیدگی به امور شهری با هدف بهبود و بالا بردن کیفیت سطح زندگی و توسعه خدمات شهری انجام دادند. اقدامات مقطعی حکومت و بازرگانان سبب شد تا متولیان امر به پاکسازی معابر وکوچه‌ها و همچنین تسطیح خیابان‌ها توجه کنند. با وقوع انقلاب مشروطیت و تحولات پس از آن، مجلس دوم مشروطه تصمیم به تصویب قانونی مبنی بر تصویب انجمنی به نام بلدیه گرفت که به مرور این قانون در سایر ولایات ایران نیز به اجرا در آمد. همزمان با تصویب چنین قانونی، البته با اندکی تأخیر مردم بوشهر نیز با علاقه ای وافر و با آگاهی از وضعیت خدمات شهری، اقدام به تاسیس چنین تشکیلاتی در شهرخود نمودند.



با بررسی اسناد سرپرسی‌کاکس سرکنسول دولت انگلیس‌در بوشهر، سال ۱۳۲۸ هـ .ق/ ۱۹۱۱م را می‌توان اولین سال تاسیس انجمن بلدیه در بوشهر دانست. گزارش کاکس سرکنسول انگلستان در مورد انجمن بلدیه و شروع به کار این انجمن، از چند جهت در خور اهمیت است: نخست این که کاکس در این گزارشات تاریخ دقیقی از شروع به کار و فعالیت این انجمن ارائه می‌دهد و دوم این که وی به نحوهٔ گزینش اعضاء انجمن بلدیه و میزان و شیوهٔ درآمدزایی بلدیه به منظور تأمین هزینه های آن اشاره می کند. براساس این اسناد، نحوه تأمین اعتبارات مالی در بلدیه بوشهر موضوع مهمی بوده که این معضل تنها مختص بلدیه بوشهر نبوده، بلکه در تمام بلدیه های ولایات از جمله تهران گزارش شده است. گزارش های بالیوزگری انگلستان در بوشهر یکی از نخستین منابعی است که اطلاعات در خور توجهی در ارتباط تأسیس انجمن بلدیه بوشهر، اعضاء و چالش های این نهاد نوپا در سالهای پس از مشروطیت در خلیج فارس و به محوریت بوشهر ارائه می دهد. از خلال گزارش های کاکس می توان اینگونه برداشت نمود که نمایندگی سیاسی دولت انگلستان نقش چندانی در راه اندازی انجمن بلدیه در بوشهر نداشته است بلکه این نهاد متأثر از تحولات پس از مشروطیت در تهران و ولایات بوده است که نهادهای شهری و مدنی اندک اندک در این مناطق گسترش یافت.

در سالهای اولیه شروع به کار انجمن بلدیه، این انجمن در بوشهر دست به اقداماتی چون؛ نظارت بر ورود محصولات کشاورزی از سایر مناطق داخلی ایران به بوشهر و وضع مالیات دُم دروازه‌ای(نواقل) می‌زند. علاوه بر این، بلدیه برای بازسازی بازارها و نوسازی سایر معابر عمومی و روشنایی‌خیابان ها برنامه‌ای گسترده را طرح ریزی‌کرد و درصدد بر آمدتا با ایجاد مغازه‌های وابسته به بلدیه و عرضهٔ کالا به قیمت ارزان، بهای نان وگوشت را تعدیل نماید وسایر قصابها و نانوایی‌ها را هم از گران فروشی باز دارد. نحوه بودجه بندی بلدیه ولایات مختلف که از تهران صورت می گرفت، علاوه بر وابسته ساختن هر چه بیشتر بلدیه‌ها به دولت، استقلال داخلی آنان را در جمع آوری مالیات و عایدات درون شهری با خلل مواجه می‌ساخت. دریافت مبالغ از طریق پلیس تقویت می شد و چنان چه مغازه ای از پرداخت آن خودداری می کرد اجناس آن ضبط گردیده ولی در ازای آن رسید دریافت می کرد. تهران به انجمن بلدیه بوشهر تلگراف زد تا مالیات بر گندم، جو وآب لیموکه برقرار نموده بود کنار گذاشته شود.

رکود هنر ایرانی

رکود بر هنر ایرانی حاکم شده است. صادرات فرش دستباف بیش از ۸۵ درصد افت کرده است. مسعود سپهرزاد، رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف در این رابطه گفت: «بازارهای ما محدود است و تحریم‌ها تجار فرش را در یک جنگ نابرابر قرار داده‌اند و امکان تبلیغ قالی و پرچم دوم کشور در بازارهای خارجی را نداریم و صادرکنندگان برای حضور در نمایشگاه‌های اروپایی با مشکل مواجه‌اند و مجوز شرکت در نمایشگاه اخیر در آلمان به ما داده نشد. بیش از ۸۵ درصد صادرات فرش دستباف ریزش کرده است و شاید هفته‌ای یک تا دو محموله فرش از کشور خارج شود. این در حالی‌ست که در سال‌های گذشته صادرکنندگان نوبت می‌گرفتند که مجوز ورود فرش‌های صادراتی را به انبارهای گمرک دریافت کنند. رقبای ما هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه مسیری در بازار فرش برای خود تعریف کرده‌اند و همان را ادامه می‌دهند و بازار تمام کشورهای دنیا روی این تولیدکنندگان باز است، این در حالی‌ست که بازارهای ما محدود است.»

گره کور مسکن

ساماندهی بازار سیمان و فولاد می‌تواند به کاهش قیمت تمام‌شده مسکن منجر شود. ایرج رهبر، دبیر انجمن انبوه‌سازان مسکن در این رابطه گفت: «مسئله سیمان و فولاد هنوز در بازار ساخت‌وساز حل نشده است. در چند ماه گذشته و با ورود موج سرما، بسیاری از کارخانجات با مشکل کمبود گاز روبه‌رو شده‌اند که این امر باعث شده بازار این دو محصول با نوسان قیمتی مواجه شود. بسیاری از کارخانجات در حوزه فولاد و سیمان اقدام به صادرات محصولات خود می‌کنند و این امر نیز زمینه‌ساز کمبود محصولات در این بازار شده است. بازار سیمان و فولاد از اصلی‌ترین بازارها در حوزه ساخت‌وساز به شمار می‌روند که نقش موثری در حوزه کنترل بازار دارند و ساماندهی و کنترل قیمت در این بازارها می‌تواند زمینه‌ساز کاهش هزینه ساخت واحدهای مسکونی شود.»

وضع بسیار نگران‌کننده گازوئیل

معصومه ابتکار، رئیس پیشین سازمان محیط‌زیست گفته است: «در دولت یازدهم با همکاری که وزارت نفت، وضعیت گازوئیل اصلاح شد و ۵۰۰۰ پی‌پی‌ام یا همان ۵۰۰۰ قسمت در میلیون بود که این میزان را به ۵۰ پی‌پی‌ام رساندیم، ولی الان ظاهرا مجددا بالا رفته و گزارش‌هایی که امروز هم وجود دارد، بسیار نگران‌کننده است. به همین دلیل است که مسئله بودجه و نوسازی فرآیند پالایشگاه‌ها و بهبودها عملکردها مهم است.» او ادامه داد: «یکی از بزرگ‌ترین عقب‌ماندگی‌های ما توسعه حمل‌ونقل عمومی است. حمل‌ونقل عمومی را اگر اتوبوس‌رانی و مترو، درنظر بگیریم، با سرعت کافی توسعه و نوسازی پیدا نکردند. ما در این حوزه، مشکلات زیادی داریم و خواهیم داشت، برآوردها این است که تهران تا ۱۲هزار اتوبوس نیاز دارد و اتوبوس‌های فعال، کفاف نیازهای ما را نمی‌دهد و بسیاری از اتوبوس‌های فعلی هم، فرسوده‌اند. مترو هم نیاز به توسعه خطوط و بازسازی دارد و همه برنامه‌های توسعه ناوگان عمومی، با تاخیر مواجه شده و البته سال‌هاست که با تاخیر مواجه شده است.»

اختصاص ۳۰ هکتار زمین برای ساخت مسکن در تنگستان

استاندار بوشهر گفت: در قالب نهضت ملی مسکن، ۳۰ هکتار زمین برای ساخت ۱۳۸۸ واحد مسکونی در شهرستان تنگستان اختصاص یافت. ساخت ۱۲ هزار واحد مسکونی در نقاط مختلف استان عملیاتی و اجرایی شده و تا پایان امسال نیز شاهد آغاز عملیات اجرائی تعداد فراوانی از واحدهای مسکونی خواهیم بود.

ایام کارمندی سازمان برنامه و بودجه بوشهر

مکیه گرمسیری - کارشناس بازنشسته سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر



من در سال ۱۳۵۱ در کنکور سراسری در رشته اقتصاد دانشگاه شیراز(پهلوی سابق) پذیرفته شدم. در آن زمان آزمون بدون منطقه بندی و بدون در نظر گرفتن منطقه محروم و یا برخوردار انجام می شد. بسیاری از رشته ها در دانشگاه بین المللی شیراز، به زبان انگلیسی تدریس می شد. بیشتر استادان آن از دانشگاه های معروف آمریکا مانند پنسیلوانیا بودند و مرجع کتابهای آنها نیز سنتور بوک ایالات متحده بود. معروفترین استادان دوره تحصیل ما دکتر تومان امریکایی، دکتر عمر فلسطینی، دکترارتک اهل ترکیه، دکتر پیروز و دکترحسین اهل پاکستان، دکتر کتابی و تعداد دیگری که از کشور خودمان بودند و به زبان انگلیسی صحبت می کردند.

در آن زمان و در طول دوره تحصیل، بهترین مشاغل را در سازمان انرژی اتمی و بعد از آن در سازمان برنامه و بودجه و نیز صدا وسیما برای رشته اقتصاد پیشنهاد می کردند.

من در سال ۱۳۵۵ در آزمون های ورودی چند سازمان شرکت کردم و پذیرفته شدم. از جمله در آزمون سازمان آموزش و پرورش قبول شدم. وقتی که در تهران برای تحویل مدارک رفتم در کنار ساختمان اکباتان که محل سازمان آموزش وپرورش رسیدم مشاهده کردم تعداد زیادی قبول شدگان تجمع کرده اند. وقتی وارد سازمان شدم و فتوکپی دانشنامه و مدارک دیگر را تحویل مسئولان وقت دادم با خوشرویی یک سیب تکه شده به من تعارف کردند و گفتند تا این سیب را می خوری حکمت را برای آموزش و پرورش شهری که ساکن آن هستی صادر کنیم.(زادگاهم برازجان). در ضمن پیشنهاد یک گروه شغلی هم دادند که برای رشته تحصیلی خودم صادر کنند و زمانی که مشغول بکار شدم ابلاغ می کنند.

در برازجان چند ماهی مشغول بکار شدم. در طی این مدت چندین درخواست مصاحبه از سازمان های مختلف بدستم می رسید ولی واقعیت این بود که دوست داشتم در سازمان برنامه و بودجه فعالیت کنم و به این موضوع فکر می کردم. در نتیجه در آزمون ورودی سازمان برنامه و بودجه شرکت کردم و بعد از قبولی دعوت به مصاحبه شدم. پس از قبولی موافقت شد که در استان بوشهر خدمت کنم. در آن زمان سازمان برنامه و بودجه کشور جایگاه بسیار مهمی در بین سازمان های کشور داشت و رییس آن دکتر مجیدی و معاون سازمان دکتر مژلومیان بودند. سازمان برنامه ایران درسال ۱۳۲۷ تاسیس و دفتر برنامه و بودجه بوشهر درسال ۱۳۵۲ راه اندازی شد. در نهایت در دفتر برنامه و بودجه بوشهر دعوت بکار شدم. وقتی نامه ابلاغ حکم به من دادند بعلت آن که پست های کارشناسی رشته اقتصاد که اکثرا برنامه ریزی بودند تکمیل شده بود بناچار تصمیم گرفتند که حکم کارشناسی آرشیتکت بزنند، من هم تصمیم گرفتم که به زادگاهم برازجان برگردم و در همان آموزش و پرورش به خدمت خودم ادامه بدهم.

چند وقت بعد یک روز بطور اتفاقی و به منظور ثبت نام در دوره رانندگی به بوشهر آمدم. در خیابان ششم بهمن (انقلاب) چشمم به تابلوی دفتر برنامه و بودجه افتاد. اولین بار بود که دفتر استان را می دیدم، وارد شدم. نامه ابلاغ حکم را که در کیفم بود به آقای دمکی دادم و ایشان نیز به آقای شیروانی دادند ایشان نیز با خوشرویی نامه را به نجف غلامیان دادند و به من گفتند یک کپی نیز بگیر تا به آقای خمسی بدهند. رییس سازمان قرار بود که به تهران بروند و در مورد تعیین تکلیف پست کارشناسی بودجه صحبت کنند. من نیز به برازجان برگشتم تا به کار تدریس خودم ادامه دهم.

چند وقت بعد سازمان برنامه و بودجه کشور، کار کارشناسی بودجه را به استان ها ابلاغ نمود. لذا با پیشنهاد سازمان استان، بدلیل این که فعالیت بودجه ریزی استان هم به سایر مشاغل اضافه شد پست من را به کارشناسی بودجه تغییر دادند. خانم رحمانی منشی آقای خمسی تماس گرفت و اطلاع داد که تهران موافقت کرده زودتر به بوشهر تشریف بیاورید. برای من دل کندن از دانش آموزان که چند ماه با آنها کار کرده بودم سخت بود. از طرف دیگر تهیه مسکن مشکل بود. در نهایت از کار تدریس دل کندم و به بوشهر نزد خانه دوست قدیمیم خانم منیرو روانی پور رفتم. در آن جا مادر دوستم بسیار خوشحال شد زیرا چند تا از بچه هایش خانه را ترک کرده بودند و لذا وجود من در آن جا برایش بسیار شادی آور بود... .

من در ۱۵ دیماه ۱۳۵۵ در سازمان برنامه استخدام شدم و با سمت کارشناس بودجه شروع به کار نمودم. آن زمان سازمان برنامه و بودجه استان با عنوان دفتر برنامه و بودجه شناخته می شد. دفتر سازمان در آن زمان در یک ساختمان دو طبقه قرار داشت. رییس آن آقای خمسی و معاون ایشان آقای راهدار بودند. خانم رحمانی منشی رییس و خانم مرحوم امیری منشی معاون و ماشین نویس بودند.کارشناسان نیز آقای شیروانی، مرحوم سرشار و مرحوم کرم پور و مسئول امور پیمانکاران آقای معتمد بودند. آقای بهرامی و مرحوم پرگان و درخشانیان مسئول کارگزینی و دبیر خانه و سایر کارها بودند.آقایان مرحوم حاجبی، پاپری، نجابت، لاری دشتی، دمکی، غلامیان و کللی در سازمان فعالیت می کردند.

یکی از جلساتی که در خاطره من ماند این بود که به دعوت آقای خمسی رییس سازمان، آقای مژلومیان (ارمنی تبار) معاون سازمان برنامه و بودجه کشور با تعداد زیادی نمایندگان مجلس به بوشهر آمدند و در کشتی رافایل بوشهر با ایشان جلسه داشتیم. یک بار هم با وزیر کشور و استانداران منطقه چهار به دعوت دفتر سازمان، در منطقه ۳ شکاری بوشهر دو روز جلسه داشتیم. آقای خمسی چند سال پیش بر اثر بیماری از دنیا رفتند. در زمان ریاست ایشان هنوز سازمان آمار با سازمان برنامه و بودجه ادغام نشده بود.

در سال ۱۳۵۵ شاه تصمیم گرفت که به استان بوشهر سفر کند. سازمان برنامه و استانداری درگیر تهیه نقشه تاسیسات و طرح های عمرانی بودند. لذا یک آرشیتکت هندی اصل به نام «ساتیش» استخدام کرده و به دفتر سازمان فرستادند. من به عنوان مترجم، کار ترجمه مطالب را برای آقای ساتیش انجام می دادم. آقای ساتیش و من نقشه را به اتمام رساندیم. یک روز صبح آقای بطحایی استاندار بوشهر برای دیدن کار نقشه به سازمان آمدند و از ما تقدیر کردند. در آن زمان تعداد کارشناسان هفت نفر بود. روشی که آقای مرحوم خمسی برای مدیریت سازمان بکار می بردند بسیار متنوع و اثر گذار بود. هفت کارشناس باید بر اساس شروع کارشان درجلسات سازمان قرار می گرفتند. من نفر هفتم بودم باید در جلسات در صندلی می نشستم. بعد از من آقای حسین بحرانی بودند که در صندلی بعدی می نشستند. در روزهای اولی شروع به کارم تا زمان تعیین مشخص شدن اتاق کار، رییس سازمان اتاق مجلل و با تجهیزات به من دادند. جلسات برنامه ریزی و جلسات اختصاص بودجه و تخصیص اعتبارات عصرها ساعت چهار و با شرکت روسای ادارات و با حضور عکاسان و خبرنگاران برپا می شد. ساعت ۳ که به دفتر می آمدم. روسا و کارشناسان ادارات را که با اتومبیل هایشان سراسیمه و با عجله زیاد به طرف دفتر برنامه وبودجه می آمدند مشاهده می کردم که می خواستند تخصیص و اعتبار بگیرند. در همین دوران، یعنی سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه اقتصاد در تهران قبول شده و همزمان با کارم مشغول به ادامه تحصیل شدم که بعد از پیروزی انقلاب به دلیل انقلاب فرهنگی نیمه تمام ماند. در سال ۱۳۵۷ آقای فرهاد عدل امینی به عنوان رییس دفتر برنامه و بودجه انتخاب شدند. دوران ایشان با پیروزی انقلاب اسلامی مصادف شد و تا مدت ها سازمان و ادارات تعطیل بودند. در تابستان ۱۳۵۷ اکثر همکاران به مرخصی رفتند. نامه ای از تهران و وزارت علوم آمد که به وضعیت تحصیلات عالی در استان بوشهر بررسی شود. آقای امینی از من خواستند که بر اساس آمارهای داده شده نشریه ای راجع به امکان احداث دانشگاه در بوشهر تهیه و به سازمان برنامه و بودجه و وزارت علوم ارسال دارم. در آن زمان بوشهر هیچ گونه سهمیه ویا شانس مشخصی برای قبولی در کنکور نداشت و استان هم فاقد دانشگاه و یاموسسه علوم و آموزش عالی بود. لذا دو نشریه تحقیقی در خصوص امکان ایجاد دانشگاه در بوشهر و دیگری تاسیس علوم عالی در بوشهر تهیه کردیم و به تهران فرستادیم. این نشریات موثر واقع افتادند و وزارت علوم تصمیم به راه اندازی و تاسیس دانشگاه در بوشهر گرفت. در آن دوران روزهای زیادی با کارشناسان در استانداری می نشستیم و بودجه سال بعد را می نوشتیم اما بعد از مدتی بناچار همه فعالیت ها متوقف و تعطیل شدند و به خانه های خود رفتیم. حقوقی که می دادند خالص حقوق بود و توسط آقای مهندس راهدار معاون وقت دفتر، به درب خانه می آوردند که آن هم به وسیله چند نفر کارمند دارایی تهیه شده و به کارمندان برای گذران زندگی روزانه داده می شد.

در سال ۱۳۵۸ آقای عدل امینی از بوشهر رفتند و آقای یدالله کشتکاران که قبلا رییس دفتر برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان بود به بوشهر آمدند. مرحوم کشتکاران تا سال ۱۳۶۲ رییس دفتر بودند و بعد از آن به عنوان سرپرست دفتر استانها در سازمان برنامه و بودجه کشور انتخاب شدند. این دوران با شروع جنگ تحمیلی عراق با ایران مصادف شده بود. در همان زمان مرکز آمار ایران هم با سازمان برنامه ادغام شد و دفاتر برنامه و بودجه استانها به سازمان برنامه و بودجه استان تغییر نام دادند. آقای کشتکاران، همکاران را به دفتر هماهنگی امور مناطق برای گزینش مجدد معرفی می کردند و از آنان می خواستند که در مورد آینده شغلیشان تصمیم بگیرند. وی طی نامه های ارسالی به سازمان برنامه تهران اظهار می داشتند که با همسرشان خانم آیت الله زاده کارهای برنامه و بودجه استان بوشهر را انجام می دهند. بعد از مدتها بررسی بالاخره احکام جدید صادر شدند و همکاران به مکان های دیگر منتقل یا مامور شدند. آقای راهدار به عنوان معاونت کهگیلویه و بویر احمد انتخاب شد و آقای چوبک که از دفتر فنی استانداری به دفتر برنامه و بودجه بوشهر منتقل گردیده بود به معاونت استان تهران منتقل شدند و آقای اسفندیار خرمیان که به سمت رییس مرکز آمار بوشهر داشتند به شیراز منتقل شدند. خانم آیت الله زاده را نیز به کارشناسی فارس انتقال دادند. آقای غلامرضا نجابت کارشناس بودجه استعفا داد و به خارج مهاجرت نمود. و با این سیاست سازمان استان از کارشناسان ماهر خالی گردید.

پست سازمانی من نیز به عنوان کارشناس مامور به خدمت به دارایی برازجان و سپس به دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تغییر داده شد. البته در دارایی تجارب خوبی کسب کردم بطوری که با اصول درآمد و هزینه و بستن حسابها آشنا شدم. بعد از چندی مامور به خدمت در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر شدم. بعد از این که آقای کشتکاران بازنشسته شدند، آقای جلالی جیرنده در سال ۱۳۶۲ به عنوان رییس سازمان برنامه و بودجه انتخاب شدند و من به سازمان برنامه و بودجه بوشهر برگشته و کار خود را در پست کارشناسی بودجه از سر گرفتم. آقای جلالی در زمان خدمت خود در سازمان برنامه و بودجه چند بار به عنوان مامور به خارج از کشور اعزام شدند و یک بار حدود یک سال در ژاپن اقامت کردند، بطوری که آقای عامری معاون ایشان وظایف ریاست را انجام می دادند. آقای جلالی علاقه زیادی به کارهای تحقیقاتی داشت و در زمان ایشان من در مورد وضعیت بهداشت و درمان استان و نیز در مورد شروع به کار تعاونی های مرز نشینان نشریه تحقیقاتی چاپ نمودم.

پس از آقای جلالی آقای اسماعیل عامری رییس سازمان برنامه و بودجه بوشهر شدند. کارهای تحقیقاتی ما به خصوص مطالعات آمایش سر زمین در زمان ایشان رواج زیادی پیدا کرد. سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام گرفت. در آن زمان ایشان از من خواستند که معاونت بودجه را بپذیرم که من به ایشان گفتم که بنا به دلایلی ترجیح می دهم که یک کارشناس خوب باقی بمانم. پس از آقای عامری، آقای محمد قاسم حسینی از کهگیلویه و بویر احمد به بوشهر منتقل و رییس سازمان برنامه و بودجه بوشهر شدند. در زمان آقای حسینی فعالیت زیادی در کار کارشناسی وتحقیقات منطقه شروع شد ودر زمان ایشان ما کارهای زیادی در مطالعه وضعیت مناطق محروم استان انجام دادیم. بعد از ایشان آقای حسین آرامی که معاون آقای حسینی بودند رییس سازمان برنامه و بودجه شدند. آقای آرامی باغملایی اصالتا بوشهری بودند و علاقه زیادی به منطقه و پیشرفت آن داشتند. بعد از ایشان نیز آقای یدالله رحمانی از ریاست استان ایلام به بوشهر منتقل و رییس سازمان برنامه و بودجه بوشهر شدند. در زمان ایشان روحیه شاد بین همکاران و جو آرامی در سازمان وجود داشت و دوستی عمیقی بین رییس و کارمندان سازمان بوجود آمده بود. پس از ایشان آقای رسول زارعی که اصالتا دشتستانی و معاون سازمان بودند رییس سازمان برنامه وبودجه شدند. در زمان ایشان که مصادف با ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد بود سازمان برنامه و بودجه استان ها با استانداری ادغام شدند که بعد از پایان ریاست احمدی نژاد و روی کارآمدن روحانی و ریاست دکتر نوبخت، سازمان دو مرتبه مستقل شد. دوران خدمت من هم در همین زمان در سال ۱۳۸۶ به پایان رسید و به افتخار بازنشستگی نائل شدم.

این دوران سی سال ونیم خدمت در سازمان باعث شادمانی و نشاط من بود زیرا برای خدمت به مردم منطقه محروم استانم تلاش می کردم. مشکل کمبود آب در مناطق روستایی مرا بیشتر به کار و فعالیت در آن بخش وامیداشت. سالهای زیادی در فصول گرم و سرد سال برای نظارت بر آب و فعالیت های ساختمان های بهداشت و درمان به دورترین نقاط استان ماموریت می رفتیم درحالی که از حداقل امکانات زیربنایی مانند راه دسترسی و ... برخوردار نبودند. برای گرفتن بودجه، هرسال به سازمان مرکزی می رفتیم و با عنوان مناطق محروم، بودجه و هزینه آن فعالیت ها را تهیه می کردیم. در سال های دوران جنگ که امکان پرواز با هواپیما وجود نداشت با ماشین های فرسوده از بوشهر به تهران می رفتم و در بین راه تصادف هم می کردیم. این تلاش ها برای این بود که محرومیت های استان زادگاهم مرتفع شود. دوران کارهای تحقیقاتی و ترجمه های متون خارجی هم شور و شوقی بی نظیر نصیبم می کرد.

روسای دفتر و سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر تا این تاریخ به شرح ذیل می باشند: ۱. غیاثی ۲. پورکمال ۳. علی محمد فروزش ۴. مهرداد خمسی ۵.فرهاد عدل امینی ۶.یدالله کشتکاران ۷. جلالی جیرنده ۸. اسماعیل عامری ۹. محمد قاسم حسینی ۱۰. حسین آرامی ۱۱.یدالله رحمانی ۱۲.رسول زارعی ۱۳. رضا عوض پور. ۱۴. علی درویشی ۱۵.محسن پاپری.

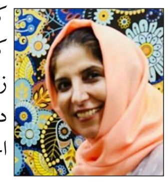
هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



تجربه یک بوشهری در آلمان
یک روز کاری متفاوت
مژده مواجی



کامپیوتر را خاموش کردم، در اتاق کار را بستم و آماده رفتن به مؤسسهٔ زبان شدم. گوگل مپس حدود پانزده دقیقه مسیر راه را محاسبه کرده بود. با احتمال چراغ‌قرمزهای پیش‌بینی‌نشده چهارراه‌ها، نیم ساعت زودتر حرکت کردم. با همکارم گودرون ساعت ۱۱ روبروی در ورودی آنجا قرار گذاشته بودیم. او با ماشین بود و من با دوچرخه. برای تبلیغ کوچینگ شغلی‌مان به یکی از کلاس‌های زبان آلمانی مقطع ب۲ می‌رفتیم تا شاگردها بعد از اتمام این کلاس‌ها با کمک ما وارد بازار کار یا گذراندن دورهٔ تحصیلی بشوند.

خیابان‌ها را یکی‌یکی پشت سر گذاشتم. دقیقاً ساعت یازده رسیدم. نفسی به‌راحتی کشیدم. گودرون دم در منتظرم بود. با هم وارد ساختمان شدیم و آهسته با انگشت به در کلاس مورد نظر زدیم. معلم کلاس در را باز و از ما استقبال کرد. خودمان را معرفی کردیم. دو نفر در کلاس با شنیدن نامم، لبخند بر لبشان نشست. بالاخره هم‌زبان فارسی پیدا کرده بودند. گودرون شروع کرد محتوای کارمان را توضیح بدهد و من هم آن را ادامه دادم. شاگردان کلاس سراپا گوش بودند. هرازگاهی معلم کلاس کلماتی را که به‌نظرش برای شاگردان دشوار بودند، با زبان ساده‌تری توضیح می‌داد. توضیحاتمان که تمام شد، یکی از آن‌ها که مرد جوان سفیدپوستی بود، پرسید: «من در اسپانیا نوازنده بودم. دوست دارم در آلمان نوازندگی را ادامه بدهم. شرایطم را چطور می‌بینید؟»

سؤالی بود که گودرون باید جواب می‌داد. تجربهٔ آن را داشت. «یکی از مراجعانم، خانم نوازنده، روسی بود. ادارهٔ کار پافشاری می کرد سریع تر کار پیدا کند. هر کاری، مهم نبود چه کاری باشد. اما خوشبختانه تلاش کردم که کارش را با تدریس موزیک به کودکان روسی شروع کند. او شیفته کارش بود و یک شیوه خاص تدریس بلد بود که از پدرش یاد گرفته بود.» گودرون کارت ویزیتش را به او داد تا سر فرصت با هم صحبت کنند.

یکی از شاگردان، مرد میانسالِ سبزه‌رویی، هم رو به من کرد: «من خیلی نیاز به کمک دارم که بتوانم بعد از اتمام کلاس زبان وارد بازار کار بشوم.»

«چه تجارب شغلی‌ای دارید؟»

«در افغانستان خلبان بودم. سال‌ها تجربه کار خلبانی دارم. اصلاً شانسی دارم که در آلمان وارد این کار بشوم؟»

سؤالی مشابه سؤال شاگرد قبلی بود. سؤالی که بارها و بارها مراجعان از ما می کردند. این که چقدر شانس دارند که شغل قبلی‌شان را در آلمان ادامه بدهند.

«خلبانی شغل پرخطر و حساسی است. به سطح خوب زبان آلمانی و انگلیسی نیاز دارد و مطمئناً مدارکتان هم باید ارزشیابی شوند.»

انگار جوابم را حدس زده بود. این که راه چندان آسانی نیست. پرسید: «به‌نظرتان به‌عنوان نگهبان امنیتی کار کنم، چطور است؟»

چهارشانه بود، بدن ورزیده و ورزشکاری داشت و برای کار نگهبان امنیتی مناسب بود. به او گفتم: «اتفاقاً این کار نیاز به دوره کوتاه‌مدتی دارد و احتمال استخدامتان وجود دارد. مراجعانی هم داشتم که وارد این کار شده‌اند.»

نمی‌خواستم از شغل خلبانی ناامیدش کنم. شغلی که مطمئناً به آن علاقه‌مند است.

«به موازات کار نگهبان امنیتی می توانید مدارک ترجمه‌شده خلبانی‌تان را هم برای ارزشیابی بفرستید.»

نیمه‌لبخندی زد و گفت: «پس بعد از اتمام کلاس به دفترتان مراجعه می‌کنم که راهنمایی کنید.»

کارت ویزیتم را به او دادم. به آن نگاهی انداخت و تشکر کرد.

حلالیت طلبیدن یا عذرخواهی
دکتر سعید معدنی



چند ماه پیش یک استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران فوت کرد. او گرایشات مذهبی قوی داشت و در دوران انقلاب دانشجو بوده و به همراه تعدادی از دوستان‌شان ده‌ها استاد باسواد و کاربلد را از دانشگاه اخراج کردند و بعدها خودشان بدون هیچ مانع و زحمتی جای همان استادان اخراجی نشستند و شدند استاد دانشگاه تهران. می گفتند وی آخر عمر از کسانی که به واسطه ایشان خسارتی به آنها وارد شده، حلالیت طلبیده تا شاید آن دنیایش آباد شود.

چند وقت پیش هم وزیر نفت دولت احمدی‌نژاد فوت کرد. یکی دو روز قبل از مرگش از سوی ایشان توئیتی پخش شد که از مردم ایران حلالیت طلبید. تا احتمالا به باور خود در آن دنیا در حین عبور از پل صراط پایش نلرزد و به بهشت برین خداوند برود.

اخیراً هم عبدالرضا داوری مشاور احمدی‌نژاد در زمان رئیس‌جمهوری و سپس منتقد ایشان گفته است زمانی که سوزن پنج سانتی را برای تخلیه آب اطراف ریه به بدنش فرو کرده‌اند، دل‌اش خواسته از یکی حلالیت بطلبد. یاد جواد ظریف افتاده و در توییتر از ایشان حلالیت طلبیده! جالب آن که ظریف هم به نوعی گفته بخشیدم! انگار امور اجتماعی و امور مردم ارث پدرشان است که به راحتی یکی طلب کند و دیگری ببخشد. این همان عبدالرضا داوری است که گفت داستان ملاقات خاتمی با جرج سوروس ثروتمند یهودی را من در روزنامه‌ی کیهان ساخته و پرداختم در حالی که از اساس دروغ بود. همان ملاقاتی که سالهای سال نقل روزنامه‌های جناح راست و محافل تندرو بود و بهره‌های فراوانی را برای به زانو در آوردن دولت اصلاحات به کار بردند.

در امور اجتماعی - سیاسی، حلالیت طلبیدن معنی ندارد. هم آن استاد دانشگاه و دوستانش و هم وزرای خطاکار و هم کسانی که به دروغ داستان هایی بافتند تا نمایندگان منتخب مردم را نابود و میلیون‌ها رای دهنده را ناامید کنند و هستی و آینده‌ی یک ملت تباه شود... . آیا با حلالیت طلبیدن مساله حل می‌شود؟

به نظر من حلالیت طلبیدن باز نوعی‌خودخواهی است. فرد به فکر جامعه و خسارت هایش نیست، به فکر آخرت و ترس از جهنم است. اگر اعتقادی به آخرت نداشنند اصلا حلالیت هم نمی‌خواستند. مثل مسئولان کشورهای کمونیستی و از جمله مسئولان شوروی سابق که هزاران ظلم و ستم کردند و حتی اعتقاد داشتند مردم‌شان لیاقت ایشان را ندارند! و تا لب مرگ‌شان به ریش مردم خندیدند.

در اموراجتماعی حلالیت طلبیدن موضوعیت ندارد. بدون شایستگی پست‌های مهم را اشغال کردن، اشتباهات مهلک داشتن، دروغ بستن‌ها، خیانت‌هایی که این همه فقر و بیکاری و بحران و ناامیدی و خودکشی و دیگر آسیبهای اجتماعی را در جامعه به بار آورده با یک حلالیت طلبی خودخواهانه حل نمی‌شود. اصلا حلالیت طلبیدن از چه کسی و از چه چیزی؟ امثال آن استاد دانشگاه که استادان را اخراج کردند و خانواده و فرزندانشان را از موقعیت و درآمد پدر محروم و آواره کشورهای دیگر کردند و هزاران دانشجو را از داشتن استادان کاربلد محروم کردند و مجبور شدند پای درس برخی استادان نااستاد کم‌سواد و بی‌سواد بنشینند و استعداد و جوانی و عمرشان به هدر رود، و ماهیت دانشگاه در ایران تهی و نابود شود، آیا با یک حلالیت طلبیدن دم مرگ همه‌ی این آسیب‌ها حل و جبران می‌شود؟

در برخی کشورها عذرخواهی می کنند. عذرخواهی نوعی خود شکستن است و آموزش اخلاقی به دیگران. وقتی مربی ژاپنی تیم‌اش صعود نمی کند در مقابل تماشاگران تا کمر خم می‌شود و عذر می‌خواهد. عذرخواهی موضوع مشخصی دارد اما حلالیت طلبیدن یک حرف کلی، نامشخص و گاهی همینجوری و حرف مفت است.

سالها قبل در جلسه بزرگداشت مترجمان متون جامعه‌شناسی، استاد عبدالحسین نیک‌گهر یکی از تقدیر شوندگان بود. وی در دوره انقلاب در چهل سالگی از استادی دانشگاه تهران برکنار شد. در آن جلسه گفت:"افرادی پیش من آمده‌اند و حلالیت طلبیده‌اند من به ایشان گفتم فرض من بخشیدم، اما با افرادی مثل زریاب خویی چکار می کنید که اکنون دست‌شان از دنیا کوتاه است" و ایضا دانشجویان محروم از درس و سواد ایشان.

به باور من آنهایی که در امور سیاسی و اجتماعیٍ دروغ گفتند یا کارشکنی و خیانت کردند و مثلاً نگذاشتند دولت اصلاحات موفق شود و یا برجام به سرانجام برسد تا جامعه نفسی بکشد و فرصت توسعه و پیشرفت را بیابد، به همه ایرانی‌های امروز و آیندگان خیانت کردند. اینان از که حلالیت خواهند طلبید؟ از ۸۵ میلیون ایرانی و نسل‌های آینده؟ شاید اگر دولت اصلاحات موفق می شد، و یا برجام به سرانجام می‌رسید و به تنش زدایی با کانون توسعه -غرب- ختم می‌شد. الان کشور به این حال و روز و این بحران فعلی نمی‌رسید... .

عذرخواهی یک حسن هم دارد، نوعی هشدار به جوانان و مسئولان آینده است که مواظب گفتار و رفتار خود باشند تا مجبور نشوند روزی در مقابل مردم بایستند و شرمگین عذر بخواهند.

وضعیت سوخت استان‌های مرزی

وضعیت سوخت در استان‌های مرزی هیچ‌وقت مطلوب نبوده است و باید به زیرساخت‌های اساسی استان‌های مرزی توجه شود. اسدالله قلی‌زاده، رئیس اتحادیه جایگاه‌داران کشور گفت: «سیاست گذاران توزیع فرآورده‌های نفتی در سال‌های گذشته با اهرم مقابله با قاچاق، معمولا از روش‌های سلبی در توزیع سوخت استان‌های مرزی استفاده کرده‌اند و توجه اساسی به اصلاح زیرساخت‌ها نشده، در نتیجه وضعیت در چند سال اخیر، مطلوب مردم مرزنشین که نیازمند سوخت هستند، نیست و اقدامات جدی لازم است. در سال‌های پیشین فقط تصمیمات مبتنی بر ایجاد محدودیت برای جلوگیری از قاچاق و راه‌حل‌های آسان اتخاذ شده که راهگشا نبوده است. اصولا اولین مواجهه مردم با جایگاه‌داران و پرسنل آنهاست که واقعا نمی‌دانیم چه پاسخی برای کمبودها داشته باشیم.»

چگونه دوران نقاهت بیماری را کوتاه تر کنیم؟
نادر اقدام



به نظر می رسد تا زمانی که انسان درگیر رنج بیماری نشده قدر تندرستی خود را نمی داند. هر یک از ما در طول زندگی، با بیماری خود و یا عزیزانمان درگیر بوده ایم و روزها و شب‌های طاقت فرسایی را تجربه نموده ایم. به ویژه هنگامی که بیمار ما مجبور به تحمل جراحی و به تبع آن بستری کوتاه یا دراز مدت در بیمارستان بوده است.

در این مورد یه نکته حایز اهمیت بسیار است و آن اینکه در هنگام ترخیص به بیمار و همراه او که قرار است در منزل نگهداری و مراقبت از وی را به عهده بگیرد،آموزشهای لازم در خصوص پیامدهای بیماری داده شود.

این آموزشها می تواند نحوه و مقدار استفاده از داروها، مدت نقاهت، چگونگی گذران اوقات نقاهت از جمله ساعات خواب و استراحت، احیانا پیاده روی و ورزشها و نرمش ها(در صورت لزوم)، تغذیه، مدت و چگونگی دیدار دوستان و اقوامی که به دیدار بیمار می آیند، رعایت بهداشت و... باشد. این مهم به عهده پزشکان و کادر درمان بیمارستان است که توصیه می شود هم بصورت شفاهی و هم با ارائه ی جزوه های چاپی در اختیار بیمارو خانواده ی وی قرار دهند.

اگر چه در حال حاضر در بسیاری از بیمارستانهای سایر استانهای کشوراین مهم صورت می گیرد که بی نهایت در سرعت بهبودی و تندرستی بیمار موثر است.

اثر حسین رنجبر؛
کتاب سفرنامه طواف عشق رونمایی شد



کتاب سفرنامه طواف عشق اثر حسین رنجبر با موضوع سفرنامه حج رونمایی شد.

به گزارش خبرنگار مهر، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر صبح جمعه در آئین رونمایی از این کتاب اظهار داشت: تلاش ویژه‌ای در راستای حمایت از کتاب در استان بوشهر داریم.

رحیم افروغ با اشاره به این که وزارت ارشاد تاکید ویژه‌ای برای حمایت از چاپ اول کتاب‌ها دارد خاطرنشان کرد: ساز و کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر کرده اما حمایت از نویسندگان همچنان وجود دارد.

نویسنده کتاب سفرنامه طواف عشق در این آئین اظهار داشت: کتاب سفرنامه طواف عشق برگرفته از خاطرات سفر حج سال ۱۴۴۳ قمری و ۱۴۰۱ شمسی از کاروان ۱۶۰۱۰ استان بوشهر است که در ۱۶۴ صفحه و در قالب ۲۰۰ قطعه عکس تنظیم شده است. حسین رنجبر اضافه کرد: ۶۰۰ ساعت، ۳۶ هزار دقیقه و ۲ میلیون و ۱۶۰ هزار ثانیه برای نوشتن این کتاب صرف شده است.